

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مرجع عظیم الشان جهان تشیع حضرت آیت الله العظمی طباطبائی بروجردی

(اعلی الله مقامه الشریف)

شکرالله جهان مهین، استاد و رئیس گروه معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد جهرم و رئیس بنیاد آیت الله حق شناس (رحمت الله علیه) جهرم.

اولین مرجع تقلیدم

این بنده کمترین در ذی القعدة الحرام ۱۳۷۴ هجری قمری مطابق با مهرماه ۱۳۳۴ هجری شمسی به سن تکلیف رسیدم و آن تاریخ زمان مرجعیت عامه سید الفقهاء و المجتهدین حضرت آیت الله العظمی حاج سید حسین طباطبائی بروجردی (اعلی الله مقامه الشریف) بود لذا برای کسب تکلیف به محضر عالم بزرگ جهرم حضرت آیت الله مرحوم حاج سید ابراهیم حق شناس جهرمی (رضوان الله تعالی علیه) رسیدم و جریان به تکلیف رسیدن خودم را عرضه داشتیم، حضرت آیت الله حاج سید ابراهیم حق شناس جهرمی (رحمت الله علیه) فرمودند: بارک الله لکم؛ بارک الله لکم؛ و اضافه فرمودند که: مقلد مرجع عظیم الشان حضرت آیت الله العظمی بروجردی بشوید و برو در بازار از کتاب فروشی آقای رجائی رساله توضیح المسائل جامع الفروع حضرت آیت الله العظمی بروجردی (ادام الله ظلّه علی رؤس المسلمین) را خریداری کن و طبق فتوای ایشان عمل کن اگر سؤالی هم برایت پیش آمد بیو و بپرس. امر ایشان را اطاعت کردم و به مدت ۶ سال یعنی تا زمان فوت ایشان فروردین ماه ۱۳۴۰ هجری شمسی، افتخار مقلد بودن آن مرجع عظیم الشان حضرت آیت الله العظمی بروجردی (اعلی الله مقامه الشریف) را پیدا کردم.

بازگو کردن مسائل رسائله عملیه حضرت آیت الله العظمی بروجردی (اعلی الله

مقامه الشریف)

حقیر قبل از رفتن به حوزه علمیه قم، از سال دوم طلبگی ام با کت و شلوار و انداختن عبا بر دوش، منبر رفتن را شروع کردم و در محافل و مجالس دینی که در مساجد جهرم و مجالس روضه خوانی در خانه ها و منازل مؤمنین جهرم تشکیل می شد منبر می رفتم و روی پله دوم منبر می نشستم و از روی رساله توضیح المسائل مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی بروجردی (اعلی الله مقامه الشریف) برای مردم مسئله می خواندم و پس از آن ذکر مصیبت می کردم و به حضرت سید الشهداء (علیه السلام) و اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) توسل می جستم.

و اتفاقاً چندین سال بعد که برای ادامه تحصیل به قم رفتم استاد و دانشمند گرانقدر شادروان علی اصغر فقیهی (رحمت الله علیه) که در ادبیات عرب و ادبیات فارسی بسیار قوی بودند و همکار حجت الاسلام والمسلمین حاج شیخ علی اصغر کرباسچیان معروف به علامه کرباسچیان (رحمت الله علیه) در نگارش متن رساله توضیح المسائل مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی بروجردی (اعلی الله مقامه الشریف) بودند؛ در دبیرستان حکیم نظامی قم استادم شدند و من همیشه به شاگردی وی افتخار کرده و می نمایم.

و شایان ذکر است از جمله دیگر همکاران علامه کرباسچیان (رحمت الله علیه)؛ حضرت حجت الاسلام والمسلمین حاج شیخ یحیی عابدی بودند که در ابتدای راه اندازی کانون مکتب ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) قم در خدمت ایشان بودیم و بعد کانون مکتب ولی عصر (ارواحنا فداه) به صورت شورای زیر نظر استاد بزرگوارم حضرت حجت الاسلام والمسلمین مرحوم حاج شیخ حسن نوری همدانی (رحمت الله علیه) اداره می شد و اینجانب افتخار مدیریت آن کانون را داشتم.

شروع مرجعیت حضرت آیت الله العظمی بروجردی (اعلی الله مقامه الشریف)

استاد بزرگوارم حضرت آیت الله مرحوم حاج شیخ حسین شب زنده‌دار جهرمی (رحمت الله علیه) فرمودند:

در شوال ۱۳۶۵ هجری قمری [شهریور ماه ۱۳۲۵ هجری شمسی] فکر تشرف به قم برای ادامه تحصیل برایم پیش آمد و خدمت استاد عزیزم حضرت آیت الله مرحوم حاج شیخ ابوالحسن حدائق (رحمت الله علیه) عرض کردم؛ از جهت محبت فراوانی که به لطف پروردگار نسبت به من داشتند، موافقت نمی فرمودند ولی با اصراری که کردم بنا شد استخاره بفرمایند. آیه کریمه استخاره سبب شد که ایشان اجازه بفرمایند و آیه این بود: «هُنَالِكَ الْوَلَايَةُ لِلَّهِ الْحَقِّ هُوَ خَيْرٌ ثَوَاباً وَ خَيْرٌ عُقْباً» آیه شریفه ۴۴، سوره مبارکه کهف بود. پس از کسب اجازه، در خدمت حجت الاسلام والمسلمین مرحوم آقای شیخ محمدعلی عندلیبی دارابی (رحمت الله علیه) که ایشان هم شاگرد سابق مرحوم آیت الله حدائق (رحمت الله علیه) بودند و یک سال جلوتر به قم مشرف شده بودند و به مناسبت تعطیلی تابستانی به داراب برگشته بودند و در آن ایام برای مراجعت به قم، شیراز بودند، به قم مشرف شدیم. وقتی وارد مدرسه فیضیه شدیم، در صحن مدرسه خدمت حجت الاسلام والمسلمین مرحوم آقای آقا سید حسن شریعتمداری جهرمی (رحمت الله علیه) که مدتی بود قم مشرف بودند و در مدرسه مبارکه فیضیه حجره داشتند، رسیدم. همان لحظه محبت کردند و راه به راه مرا به اطاق خودشان بردند و هیچ گونه مشکلی به حمد الله تعالی برایم پیش نیامد و محبت دیگری هم کردند که شهریه ماه ذی قعدة (هشت تومانی) که از طرف آیت الله العظمی مرحوم آقای سید ابوالحسن اصفهانی (قدس سره الشریف) پرداخت می شد گرفته بودند و به من دادند و در ماه ذی حجه ظاهراً روز عرفه به رحمت حق پیوستند، از همان وقت مرجعیت عظیم حضرت آیت الله العظمی بروجردی (قدس سره الشریف) شروع شد.

نماینده‌گی حجت الاسلام والمسلمین حقدان جهرمی از سوی آیت الله العظمی

بروجردی (اعلی الله مقامه الشریف)

یکی از برجسته ترین شاگردان مرجع بزرگوار حضرت آیت الله العظمی حاج سید عبدالحسین نجفی لاری جهرمی (قدس سرّه الشریف)، حضرت حجت الاسلام والمسلمین مرحوم حاج شیخ عطاء الله حقدان جهرمی (رحمت الله علیه) است که پس از حضرت آیت الله مرحوم آقا سید اسد الله (حق شناس) اصفهانی (رضوان الله تعالی علیه) پدر حضرت آیت الله حاج سید ابراهیم حق شناس جهرمی (رحمت الله علیه) مدیریت مدرسه علمیّه زمانیه (خان) جهرم را بر عهده می‌گیرد و به تربیت طلاب می‌پردازد که از جمله شاگردان زبده ایشان استاد بزرگوارم حضرت آیت الله مرحوم حاج شیخ حسین شب زنده دار جهرمی (رحمت الله علیه) بوده است؛ و در این زمان است که وی نمایندگی آیات عظام: بروجردی، حاج سید ابوالحسن اصفهانی و سید ابراهیم مشهور به آقا میرزا اصطهباناتی (قدس الله انفسهم الزکیّه) در امور حسیه و اخذ وجوهات شرعی را دریافت می‌نماید که پس از ارتحال آیت الله آقا سید ابوالحسن اصفهانی (رضوان الله تعالی علیه) افتخار نمایندگی زعیّم عالیقدر حضرت آیت الله آیت الله العظمی بروجردی (اعلی الله مقامه الشریف) را پیدا می‌کند و تا آخر عمر خویش یعنی سال ۱۳۷۱ هجری قمری مطابق با سال ۱۳۳۰ هجری شمسی به‌عنوان تنها نماینده آن مرجع عالی قدر در شهر جهرم و روستاهای اطراف و حتی بخش‌هایی از فسا به رتق وفتق امور شرعی و دریافت وجوهات و مصرف آنها طبق دستور به نحو احسن اقدام می‌نماید.

با اجازه آیت الله العظمی بروجردی (اعلی الله مقامه الشریف)

پدر خانم بنده زاده؛ صدیق مکرم جناب آقای مرحوم حاج محمدعلی حقدان (رحمت الله علیه) فرزند حضرت حجت الاسلام والمسلمین مرحوم حاج شیخ عطاء الله حقدان جهرمی (رضوان الله تعالی علیه) در برکه ای که قبلاً در اختیار استاد بزرگوارم حضرت آیت الله کریمی جهرمی (دامت برکاته) بوده و اکنون در اختیار حقیر هست؛ مرقوم داشته اند: از جمله کارهای برجسته مرحوم والدمن [حضرت

حجت الاسلام والمسلمین مرحوم حاج شیخ عطاء الله حقدان جهرمی (قدس سرّه الشّریف)، اداره حوزه های علمیه شهرهای جهرم و فسا بود و با توجه به این که ایشان از نمایندگان برجسته مرحوم آیت الله العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی و سپس نماینده آیت الله العظمی مرحوم اصطهباناتی و پس از آن نماینده مرحوم آیت الله العظمی مرحوم بروجردی (رحمت الله علیه) بودند و از طرف آن اعظام مسئول جمع آوری وجوهات و در واقع نماینده تام الاختیار آن اعظام به شمار می آمدند. با اجازه آن بزرگوار، مرحوم آیت الله العظمی بروجردی قسمتی از سهم امام (علیه السلام) را اختصاص به طلاب علوم دینی آن زمان جهرم و فسا داده بودند.

دیدار حجت الاسلام والمسلمین حقدان جهرمی با آیت الله العظمی بروجردی (رضوان الله تعالی علیهما)

حضرت حجت الاسلام والمسلمین مرحوم حاج شیخ عطاءالله حقدان جهرمی (طاب ثراه) در ذی القعدة الحرام و ذی الحجه الحرام ۱۳۶۷ هجری قمری مطابق با شهریورماه و مهرماه ۱۳۲۷ هجری شمسی، سفری به شهر مقدس قم دارند که در آن سفر ضمن زیارت و آستان بوسی حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها) به خدمت مرجع عظیم الشان حضرت آیت الله العظمی بروجردی (قدس سرّه الشّریف) شرفیاب می شود و مسائلی از جمله درباره حقوق کارمندان دولت آن روز به ویژه حقوق معلمان و فرهنگیان پرسش می کند و پاسخ مقتضی و بلا اشکال بودن حقوق آنان از لبان مبارک مرجع والامقام حضرت آیت الله العظمی بروجردی (طاب ثراه) می شنود و پس از قم مسافرتی به تهران و دیدار با دکتر ابوالفضل حاذقی جهرمی داشته اند که در جای خود قابل ذکر است. البته قبل از مسافرت طی وصیت نامه ای کتبی که موجود است؛ حضرت آیت الله حاج سید ابراهیم حق شناس جهرمی (رحمت الله علیه) را وکیل و وصی تام الاختیار در حیات و ممات خود قرار می دهد و حتی در دیدار و ملاقات با مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی بروجردی (اعلی الله مقامه الشّریف)، انتخاب آیت الله حاج سید ابراهیم حق شناس جهرمی، را به سمع معظم له می رسانند و خدمات و اقامه جمعه و جماعت و تولیت

حوزه علمی جهرم و چیره دستی و ید طولانی در منبر و سخنرانی به خصوص در حرم امام رضا (علیه السلام) و دیگر زحمات والد معظم ایشان حضرت آیت الله آقا سید اسد الله (حق شناس) اصفهانی (رحمت الله علیه) را بیان می دارند.

شایان ذکر است که در زمان حیات حضرت حجت الاسلام والمسلمین مرحوم حاج شیخ عطاء الله حقدان جهرمی (رحمت الله علیه) ، نیز آیت الله حاج سید ابراهیم حق شناس جهرمی (رحمت الله علیه) نهایت احترام را برای حجت الاسلام والمسلمین مرحوم حاج شیخ عطاء الله حقدان جهرمی (رحمت الله علیه) به عنوان نماینده مراجع عظام تقلید بالأخص مرجع بزرگ حضرت آیت الله العظمی بروجردی (رضوان الله تعالی علیه) قائل بوده است؛ و وجوهاتی که به دستش می رسیده تقدیم به حضرت حجت الاسلام والمسلمین حاج شیخ عطاء الله حقدان جهرمی (رحمت الله علیه) به عنوان نماینده مرجع عظیم الشان حضرت آیت الله العظمی بروجردی (رضوان الله تعالی علیه) می کردند و همچنین حضرت حجت الاسلام والمسلمین مرحوم حاج شیخ عطاء الله حقدان جهرمی (قدس سرّه الشریف) نیز نهایت وفا و احترام را برای حضرت آیت الله حاج سید ابراهیم حق شناس جهرمی (رحمت الله علیه) داشته است، به طوری که بخش هایی از وجوهات که به دستش می رسیده، به حضرت آیت الله حاج سید ابراهیم حق شناس جهرمی (رضوان الله تعالی علیه) تسلیم می کرده تا به مصرف و خرج فقرا و مستمندانی که زیر نظر ایشان بوده برساند و این جریان و مطالب در دفتر یادداشت حضرت حجت الاسلام والمسلمین مرحوم حاج شیخ عطاء الله حقدان جهرمی (رحمت الله علیه) ثبت است و بالاتر از آن که ایشان را وکیل خود در زمان حیات و وصی شرعی خود قرار داده بودند.

قابل ذکر است که فرزند ارشد حقیر مهندس علی اصغر (فرید) جهان مهین با نوه عالم بزرگوار حضرت حجت الاسلام والمسلمین مرحوم حاج شیخ عطاء الله حقدان جهرمی (رضوان الله تعالی علیه) ازدواج نموده است. پس از این وصلت دفتر وجوهات و یادداشت های حجت الاسلام والمسلمین مرحوم حاج شیخ عطاء الله حقدان جهرمی (رحمت الله علیه) در اختیار این جانب قرار گرفت. در آن دفتر حضرت

حجت الاسلام والمسلمین حاج شیخ عطاء الله حقدان جهرمی (رحمت الله علیه) وکالت و وصایت خود را نسبت به حضرت آیت الله حاج سید ابراهیم حق شناس جهرمی (رحمت الله علیه) و همچنین دیدار خود از مرجع والا مقام حضرت آیت الله العظمی بروجردی (اعلی الله مقامه الشریف) را یادداشت کرده اند که به صورت زیر می باشد.

گزارش حجت الاسلام والمسلمین حقدان جهرمی از سفری که به دیدار آیت الله

العظمی بروجردی (اعلی الله مقامه الشریف) رفته اند:

الی هذا التاريخ ششم شهر ذیحجه الحرام [۱۳۶۷ هجری قمری] که مراجعت از مسافرت قم نموده ام تمام و کمال طلب های آقای بروجردی یعنی آن چه دفع نقد صاحبان وجوه کارسازی نموده اند به ایشان محسوب و کارسازی ایشان شد و آن چه مطابق دفتر طلبات بعد از این وصول شود باید سهمی ایشان برای ایشان فرستاده شود.

اسامی اشخاصی که در خدمت آقای بروجردی هستند و در کارهای ایشان مداخله می نمایند:

- منشی ایشان که صاحب دفتر و محاسبات مربوطه به ایشان است: آقا حاجی محمد حسین بروجردی.
- آقا شیخ محمد: که تصحیح کتاب های ایشان می نماید.
- حاج احمد بروجردی: که ناظر بر کارهای ایشان هستند.
- آقای حاج میرزا ابوالحسن: که یک نفر از روحانیان، و در کارهای حضرت آیت الله بروجردی و مردم رسیدگی می نماید.

در تاریخ شهر ذی قعدة ۱۳۶۷ [مطابق با ۱۳۲۷ هجری شمسی] در قم خدمت آیت الله بروجردی شرفیاب شدم و مطالبی از ایشان تقاضا نمودم و به وجه ذیل اجازه فرمودند:

- ۱- راجع به کمک و اعانت که به طلاب و محصلین جهرم و فسا اجازه دادند که علاوه بر مقررات به موجب وکالت تام مطابق جزئی از سهم امام مخصوص که باید به نظر ایشان برسد، الی ده یک آن چه وصول شود از سهم امام تخصیص ده به طلب.

۲- راجع به حقوق دوائر دولت سؤال کردم، فرمودند: مختلف جواب می‌دهم، در اثر اختلاف شغل آن‌ها. آن چه بر من معلوم شد که چنان اشکال در حقوق دولتی نمی‌فرمایند. خصوصاً راجع به معارف [فرهنگ] و مخصوصاً نسبت به آقای احمدی [حضرت حجت الاسلام والمسلمین مرحوم حاج سید محمد احمدی جهرمی] که دریافت حقوق ایشان از دولت را اجازه فرمودند.

۳- در قسمت زکات و ردّ مظالم و سهم امام که درست استیدان از صاحبان آن‌ها حاصل نمی‌کنم و آن چه لازم باشد تصرف می‌کنم فرمودند: لازم نیست که به طور صریح از صاحبان وجوه اجازه بگیرید چون از قبیل من تصرف می‌کنید، هر مقدار که لازم باشد و احتیاج داشته باشید از وجوه نامبرده تصرف کنید.

اجازة ویژه در مصرف وجوهات

به وقت نمایندگی روحانی گرانقدر حضرت حجت الاسلام والمسلمین مرحوم حاج شیخ عطاء الله حقدان جهرمی (رحمت الله علیه) از مرجع بزرگ حضرت آیت الله العظمی بروجردی (قدس سره الشریف)، فرزند یکی از روحانیون جهرم قصد تحصیل در رشته پزشکی می‌نماید و بعد در رشته پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شیراز قبول می‌شود که این امر هزینه زندگی آن خانواده روحانی محترم را افزایش می‌دهد لذا حضرت حجت الاسلام والمسلمین مرحوم حاج شیخ عطاء الله حقدان جهرمی (رحمت الله علیه) جریان را به عرض مرحوم عالی‌قدر حضرت آیت الله العظمی بروجردی (قدس سره الشریف) می‌رساند که آن زعیّم عظیم الشان به خاطر خدمات آن روحانی بزرگوار دستور می‌دهند که ماهانه شصت تومان شهریه به آن روحانی خدوم به جهت زیاد شدن مخارجش پرداخت شود.

نمایندگی آیت الله حق‌شناس جهرمی از آیت الله العظمی بروجردی (رضوان الله

تعالی علیهما)

عالم بزرگوار و خدوم حضرت حجت الاسلام والمسلمین مرحوم حاج شیخ عطاء الله حقدان جهرمی (رحمت الله علیه) در ذی القعدة الحرام ۱۳۶۷ هجری قمری مطابق با شهریور ماه ۱۳۲۷ هجری

شمسی به قصد زیارت حرم حضرت فاطمه معصومه (سلام الله تعالی علیها) و شرفیابی به محضر مرجع عظیم الشان حضرت آیت الله العظمی بروجردی (قدس سره الشریف) که نماینده ایشان در جهرم و حومه بودند به قم سفر می نمایند؛ اما قبل از مسافرت با صدور و نگارش وصیت نامه کتبی حضرت آیت الله حاج سید ابراهیم حق شناس جهرمی را وکیل تام الاختیار و همه جانبه خویش در زمان حیاتشان و وصی خودشان قرار می دهد و می نویسند:

بسم الله الرحمن الرحيم

مخفی نماند آن که آقای آقا سید محمد ابراهیم حق شناس (دامت برکاته العالی) وکیل در حیات و وصی بعد از ممات این جانب است که به مقتضای وصیت نامه که در کیف است رفتار نماید و نیز از جانب حقیر و از قبل حضرت آیت الله بروجردی (دامت برکاته) ایشان را وکیل نمودم که مطابق طلبات این دفتر و سایر دفاتر قیام نماید. یعنی طلبات که در این دفتر مذکور است بابت وجوه دریافت نماید و در محل مذکور در این دفتر صرف نماید و آن چه مربوط به حضرت آیت الله [بروجردی] است اطلاع به ایشان داده و بر طبق دستور حضرت آیت الله [بروجردی] مزبور رفتار نماید و مطابق طلبات که به موجب تمسک ترکه از اشخاص باید وصول بشود؛ ایشان وصول و دریافت نماید و در محل مقرر مزبوره در دفاتر صرف نماید. این حروف بر سبیل وصیت نامه قلمی گردید؛ امید است که حقیر از دعای خیر فراموش نفرمایند. عطاء الله حقدان - ۱۰ شهر ذی القعدة ۱۳۶۷.

و در این سفر به قم، حضرت حجت الاسلام والمسلمین مرحوم حاج شیخ عطاء الله حقدان جهرمی (رحمت الله علیه) به معرفی حضرت آیت الله حاج سید ابراهیم حق شناس جهرمی (طاب ثراه) و معرفی مقام والای والد عظیم الشان ایشان حضرت آیت الله آقا سید اسد الله اصفهانی (حق شناس) و خدمات بسیار معظم له در جهرم و اطراف و حوزه جهرم و اقامه جمعه و جماعت و منابر و سخنرانی های معظم له و شهرت ایشان به زبان گویای سید لاری و ... می پردازد و شایستگی حضرت آیت الله حاج سید ابراهیم حق شناس جهرمی را برای نمایندگی و وکیل بودن ایشان در زمان حیات خودشان

و وصایت ایشان به عرض مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی بروجردی (رضوان الله تعالی علیه) می‌رساند. و لذا پس از فوت حضرت حجت الاسلام والمسلمین مرحوم حاج شیخ عطاء الله حقدان جهرمی (رحمت الله علیه)، فقیه اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم‌السلام) حضرت آیت الله العظمی بروجردی (قدس سرّه الشریف) با شناختی که از قبل از آیت الله حاج سید ابراهیم حق‌شناس جهرمی داشتند، در مورخه بیست و نهم شعبان المعظم ۱۳۷۲ هجری قمری مطابق با ۱۳۳۲/۲/۲۴ هجری شمسی با صدور حکمی نمایندگی خود را در جهرم و حومه به آیت‌الله حاج ابراهیم حق‌شناس جهرمی (رحمت الله علیه) تفویض می‌فرمایند و این نمایندگی تا ارتحال آن زعیّم بی‌بدیل یعنی سیزدهم شوال المکرم ۱۳۸۰ هجری قمری مطابق با ۱۰ فروردین ۱۳۴۰ هجری شمسی ادامه می‌یابد.

گفتنی است که که آیت الله حاج ابراهیم حق‌شناس جهرمی (رحمت الله علیه) شدت احتیاط و اهتمام در امانت‌داری نمایندگی به خرج می‌دادند تا آنجا که مخارج ارسال وجوهات و مکاتبات نیز از بودجه شخصی خود می‌پرداختند و از پول وجوهات و ... پرداخت نمی‌کردند و همین امر موجب گشته بود که آیت الله حاج سید ابراهیم حق‌شناس جهرمی (رضوان الله تعالی علیه) عمیقاً مورد عنایت و توجه آن مرجع جهانی و عظیم الشان حضرت آیت الله العظمی بروجردی (اعلی الله مقامه الشریف) قرار گیرد. استاد بزرگوارم حضرت آیت الله مرحوم حاج شیخ حسین شب زنده دار جهرمی (رحمت الله علیه) می‌فرمودند که: آیت الله حق‌شناس خود می‌فرمودند که مخارج ارسال وجوه مربوط و متعلق به آیت الله العظمی بروجردی (اعلی الله مقامه الشریف) و دیگر مراجع عظام تقلید قم و نجف اشرف از سهم مبارک امام (علیهم‌السلام) نمیدهیم بلکه از پول شخصی روضه خوانی خود می‌پردازم.

و استاد بزرگوارم حضرت آیت الله کریمی جهرمی (دامت برکاته) می‌فرمایند: این احتیاط فوق العاده و مثال زدنی آیت الله حق‌شناس (رضوان الله تعالی علیه) در امر وجوهات و امانت‌داری بود که همه مراجع عظام (اعلی الله مقامهم الشریف) احترام تامّ و تمام و زائد الوصفی برای آن مرحوم قائل بودند.

گفتنی است که پس از فوت حضرت آیت الله حاج سید ابراهیم حق شناس جهرمی (رضوان الله تعالی علیه) تنها فرزند روحانی و شایسته ایشان استاد بزرگوارم حضرت آیت الله حاج سید احمد حق شناس جهرمی (رحمت الله علیه) هم راه پدر را در اجرای نمایندگی به خوبی ادامه دادند. و حقیقتاً بابه اقتدی و خلف صالح بود.

قابل ذکر است که روش حضرت آیت الله حاج سید ابراهیم حق شناس جهرمی (رضوان الله تعالی علیه) و بعداً روش حضرت آیت الله حاج سید احمد حق شناس جهرمی (رحمت الله علیه) در زمان نمایندگی مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی (اعلی الله مقامه الشریف) این بود که بعضی اوقات امانات و وجوه را بدون جابجایی و تغییر و تبدیل و خود اصل وجوه به محضر مراجع عظام تقلید تقدیم می کردند و چند بار نیز حضرت آیت الله حاج سید احمد حق شناس جهرمی با توجه به این که طلبه حوزه علمیه قم بودند وجوهات مقلدین مرجع بزرگ حضرت آیت الله العظمی بروجردی (اعلی الله مقامه الشریف) را از طرف والد معظمشان، خودشان و یا از طریق آیت الله مرحوم حاج شیخ حسین شب زنده دار جهرمی (رحمت الله علیه) به بیت معظم مرجع گرانسنگ حضرت آیت الله العظمی بروجردی (رضوان الله تعالی علیه) تقدیم و رسید وجوهات مؤمنین را دریافت می کردند و آیت الله حق شناس، این نمونه ارسال را نوعی احترام می دانستند.

و استاد عالیقدرم حضرت آیت الله کریمی جهرمی (دامت برکاته) فرموده اند که: آیت الله حق شناس، حقاً امین بر اموال حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و اموال مردم بود و از این امانتداری بود که مورد وثوق و توجه کامل مراجع عالیقدر قرار داشت و صد در صد به امر و کار او داشتند.

تشرّف آیت الله حق شناس جهرمی به محضر آیت الله العظمی بروجردی (رحمت

الله علیهما)

به سال ۱۳۳۷ هجری شمسی عالم گرانقدر حضرت آیت الله حاج سید ابراهیم حق شناس جهرمی (رضوان الله تعالی علیه) که تنها نماینده مرجع عظیم الشان حضرت آیت الله العظمی بروجردی (قدس سره الشریف) در جهرم و حومه بودند به همراه برادر زاده نوجوان خود شادروان دکتر علی محمد حق شناس با وسیله یکی از ارادتمندانشان از بازاریان خیر جهرم مرحوم حاج میرزا عبدالوهاب صحرائیان، عموی همسر حقیر، به آستان ملکوتی کریمه اهل بیت حضرت فاطمه معصومه (سلام الله تعالی علیها) و دیدار مرجع گرانقدر حضرت آیت الله العظمی بروجردی (اعلی الله مقامه الشریف) سفری از جهرم به قم داشتند.

و گویا در مسیر سفر؛ شب اول در شیراز، شب دوم در آباءه در بیت حضرت حجت الاسلام والمسلمین مرحوم آقا سید حسین آستانه (رحمت الله علیه) پدر داماد محترمشان (پدر آیت الله مرحوم حاج سید محمد علی آستانه رحمت الله علیه) و شب سوم در قم بیتوته کرده بودند و پس از زیارت کریمه اهل بیت حضرت فاطمه معصومه (سلام الله تعالی علیها) شرفیاب به محضر مرجع عظیم الشان حضرت آیت الله العظمی بروجردی (اعلی الله مقامه الشریف) شده بودند.

مرحوم حاج میرزا عبدالوهاب صحرائیان نقل می کردند که: پس از زیارت کریمه اهل بیت حضرت فاطمه معصومه (سلام الله تعالی علیها) شرفیاب محضر شریف مرجع بزرگ حضرت آیت الله العظمی بروجردی (اعلی الله مقامه الشریف) در اتاق مخصوص ایشان شدیم پس از ورود و احترام شایسته که به جا آوردیم و متقابلاً آن مرجع عظیم الشان نسبت به نماینده تام الاختیار و منحصر به فرد خود در جهرم و حومه، حضرت آیت الله مرحوم حاج سید ابراهیم حق شناس جهرمی (رحمت الله علیه) کمال لطف و محبت نمودند و احترام خاص و ویژه ای برای حضرت آیت الله حاج سید ابراهیم حق شناس

جهرمی (رضوان الله تعالى عليه) قائل شدند و نهایت احترام را به ایشان فرمودند و وی را در کنار خویش جا دادند و نسبت به ما نیز لطف و محبت فرمودند.

آن گاه حضرت آیت الله حاج سید ابراهیم حق شناس جهرمی (رحمت الله علیه) مسائلی را از محضر شریف آن فقیه عالی مقام سؤال کردند و ایشان با خوش روئی و کمال مهربانی پاسخ فرمودند و با توجه به سؤال و مورد خاص حضرت آیت الله حاج سید ابراهیم حق شناس جهرمی (رضوان الله تعالى علیه) و نهایت احتیاط ایشان در کمک رسانی به مردم فرمودند: به جدم برای من هم به همین صورت اتفاق افتاده و می افتد، ناراحت آن نباشید و خیال آیت الله حاج سید ابراهیم حق شناس جهرمی (رضوان الله تعالى علیه) هم با آن صحبت راحت کردند و سپس آیت الله مرحوم حاج سید ابراهیم حق شناس جهرمی (رحمت الله علیه) مبالغی وجه الخمس مقلدین به همراه صورت اسامی مؤمنین پرداخت کننده تقدیم حضورشان نمودند که دستور داده شد همین امروز رسید آن ها نوشته و تسلیم آیت الله حاج سید ابراهیم حق شناس جهرمی شود که چنین شد و در پایان این دو عالم بزرگوار با نهایت تواضع و تعارف، با یکدیگر خداحافظی کردند. و محضر و بیت حضرت آیت الله العظمی بروجردی (رضوان الله تعالى علیه) را ترک گفتیم و راهی شهر ری و زیارت حضرت شاه عبدالعظیم حسنی (علیه السلام) و سپس تهران منزل دکتر ابوالفضل حاذقی جهرمی شدیم.

مأموریت آیت الله حق شناس جهرمی از سوی آیت الله العظمی بروجردی (قدس

سرّه هما)

در زمان حیات مرجع عظیم الشان حضرت آیت الله العظمی بروجردی (اعلی الله مقامه الشریف) بین دو تن از روحانیون یکی از شهرهای استان فارس نگرانی و اختلاف پیدا شد و چون جریان به سمع زعیم عالیقدر حضرت آیت الله العظمی بروجردی (قدس الله نفسه الزکیه) رسیده بود و بسیار ناراحت شده بودند و با مخابره تلگرافی به نماینده منحصر خود در جهرم و حومه حضرت آیت الله حاج سید ابراهیم حق شناس جهرمی (رحمت الله علیه) از ایشان می خواهد که به آن شهر سفر کند و اقداماتی

بفرمایند که پس از وصول تلگراف حضرت آیت الله العظمی بروجردی (رضوان الله تعالی علیه) فوراً حضرت آیت الله حاج سید ابراهیم حق شناس جهرمی (رضوان الله تعالی علیه) با دو تن از علماء برجسته جهرم حضرت حجج اسلام مرحوم استاد آقای حاج سید حسن نائینی و استاد بزرگوارم مرحوم حاج شیخ محمد نمازی (رضوان الله تعالی علیهما) برای اجرای مأموریت و اوامر مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی بروجردی (اعلی الله مقامه الشریف) به آن شهر سفر نمودند.

نامه حضرت آیت الله العظمی بروجردی (اعلی الله مقامه الشریف) به آیت الله حق

شناس جهرمی (رحمت الله علیه)

بسم الله الرحمن الرحيم

به عرض می رساند مرقوم شریف که حاکی از صحت مزاج عالی بود واصل گردید مرجو آن که همیشه از بلیات محفوظ بوده مؤید و موفق باشید. یکهزار و هفتصد و هفتاد تومان و یکهزار سیصد تومان توسط بانک رسیده. سی و چهار ورقه قبض بالغ بر پنج هزار و چهارصد و سی و شش تومان و دو قران لفاً ارسال است. هر چیز سهم که در محل داده اید و خودتان صرف نموده اید قبول است. راجع به ششصد و پنجاه تومان قرض آقای آقا شیخ استجازه نموده اید مجازید از وجوهی که می رسد بپردازید و آقایانی هم که وجودشان برای مسلمین نافع و موجب تقویت اسلام است، مجازید گاهگاهی چیزی که صلاح میدانید بدهید و لو فقیر نباشد. مستدعی است در مواقع توجه و دعاء حقیر را فراموش نفرمائید.

و السلام علیکم و رحمت الله و برکاته، ۷ ذی قعدة ۱۳۷۵. [۱۳۳۵/۳ / ۲۶]

گفتنی است طبق بند آخر این نامه، جمله: ((آقایانی که وجودشان برای مسلمین نافع و موجب تقویت اسلام است، مجازید گاهگاهی چیزی که صلاح میدانید بدهید و لو فقیر نباشد.))

سالیان سال حدود ۲۵ سال عالم گرانقدر حضرت آیت الله مرحوم حاج سید ابراهیم حق شناس جهرمی (رضوان الله تعالی علیه) و حدود ۲۰ سال خلف صالح ایشان استاد بزرگوارم حضرت آیت الله

حاج سید احمد حق شناس جهرمی (رحمت الله علیه) به همین طریق عمل کردند. و حدود ۲۰ سال است که حقیر این سفارش و دستور و امر مرجع بزرگ حضرت آیت الله العظمی بروجردی (اعلی الله مقامه الشریف) را اجرا نموده ام.

**استفتاء آیت الله حق شناس جهرمی از حضرت آیت الله العظمی بروجردی
(رضوان الله تعالی علیهما)**

بسم الله الرحمن الرحيم

محضر انور حضرت مستطاب حجت الاسلام والمسلمین آیت الله فی الارضین آقای حاج آقا حسین بروجردی (ادام الله ظلّه علی رؤس المسلمین)

مستدعی چنانم که این چند مسئله را جواب فرمائید که مورد حاجت است:

سوال ۱. هرگاه شخصی وصیت کند که از ترکه اش سالی سه روز تعزیه بگیرند و لکن مستلزم پاره‌ای از محرمات است از قبیل بیرون آمدن مرد به لباس زن و نواختن بعضی آلات لهو آیا وقتی می‌تواند تعزیه را مبدل کنند به مجلس روضه خوانی یا آن که به حذف محرمات باید طبق وصیت تعزیه بگیرد؟

بسم الله الرحمن الرحيم

جواب ۱) بلی می‌تواند؛ بلکه لازم است.

سوال ۲. آیا کثیر الظن در حکم کثیر الشک است یا نه؟

جواب ۲) اگر کثرت مظنه تعلیق به بطلان باشد، اعتناء به آن نکرده و در غیر این صورت در مواردی که ظن حجت باشد به فرقی بین کثیر الظن و غیر آن در حجیت نیست.

سوال ۳. کثیر الشک که اعتنایی به شکش نیست آیا بعد از ترویّت است یا به مجرد عروض شک؟

جواب ۳) ترویّی لازم نیست.

سوال ۴. هرگاه امام یا مأموم شک کنند آیا همان وقت شک به هر کیفیت که باشد باید اطلاع از حال یکدیگر و رجوع کنند یا آن که شک کننده بگذرند تا جایی برسند که مطلب معلوم گردد؟

جواب ۴) تابعیت کند تا مطلب معلوم شود.

سوال ۵. هرگاه امام یا مأموم شک در افعال داشته باشند، به یکدیگر رجوع کنند یا هر کدام حکم نفس خود دارند؟

جواب ۵) در افعال، محل اشکال است.

سوال ۶. پوستهای ریزه‌ای که شبیه به فلس است؛ در زمستان پشت دست ظاهر می‌شود، یعنی از دست بلند می‌شود آیا لازم است آب به زیر آن‌ها رسانیدن یا شستن ظاهر آن‌ها کافی است؟

جواب ۶) شستن ظاهر بدن لازم است و شستن باطن لازم نیست.

مهمور به مهر مرجع عظیم الشان حضرت آیت الله العظمی بروجردی (اعلی الله مقامه الشریف)

شایان ذکر است استفتاء حضرت آیت الله مرحوم حاج سید ابراهیم حق شناس جهرمی (رضوان الله تعالی علیه) به نظرم به خط شاگرد ممتاز ایشان عالم زاده حضرت حجت الاسلام والمسلمین مرحوم آقا سید حسن شریعتمداری جهرمی (رحمت الله علیه) می باشد. وی از شاگران مرجع عظیم الشان حضرت آیت الله العظمی بروجردی (اعلی الله مقامه الشریف) نیز بوده است.

عنایت مرجع بزرگ جهان تشیع به اعضاء بیت یکی از علماء قدیم جهرم

در روز چهارم مردادماه ۱۳۹۳ هجری شمسی پس از تشییع جنازه با شکوه و تدفین استاد عالیقدرم حضرت آیت الله مرحوم حاج شیخ حسین شب زنده دار جهرمی (رضوان الله تعالی علیه) بر سر مرقد مطهر مرجع عظیم الشان حضرت آیت الله العظمی بروجردی (اعلی الله مقامه الشریف) در حال قرائت فاتحه بودم که یکی از دوستانم از اساتید دانشگاه که فرزند یکی از علمای قدیم جهرم است آمد و خطاب به حقیر فرمودند: فلانی! خدا رحمت کند حضرت آیت الله العظمی بروجردی (رضوان الله تعالی علیه) که من و برادرانم حیات علمی مان را مدیون حضرت آیت الله العظمی بروجردی (قدس سرّه الشریف) و حضرت آیت الله حاج سید ابراهیم حق شناس جهرمی (رحمت الله علیه) هستیم. و اضافه کردند که شما که پدر روحانی ما را به خوبی می شناختی که از علماء گذشته جهرم بودند. و باز فرمودند: وقتی والدمان فوت شد و ما یتیم شدیم عالم بزرگ جهرم حضرت آیت الله حاج سید ابراهیم حق شناس جهرمی (رضوان الله تعالی علیه) نامه ای به محضر مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی

بروجردی (قدس سرّه الشّریف) نوشتند و ضمن بیان خدمات ابوی ما به حوزه و جهرم و محصل بودن ما فرزندان را بیان نموده بودند. بعد در جواب نامه، مرجع بزرگ حضرت آیت الله العظمی بروجردی (رحمت الله علیه) برای هر کدام از اعضای خانواده ما مقرری و شهریه ماهیانه مشخص فرمودند و این قضیه ادامه داشت تا زمانی که ما به دانشسرا رفته و حقوق بگیر شدیم که دیگر به وکیل تام الاختیار ایشان حضرت آیت الله حاج سید ابراهیم حق شناس جهرمی (رحمت الله علیه) اعلام کردیم که دیگر حقوق می گیریم و نیاز به شهریه ماهیانه نداریم و مقرری ماهیانه حضرت آیت الله العظمی بروجردی (اعلی الله مقامه الشّریف) را قطع بفرمایید و البته این عالم زاده کراراً و کراراً به تناسب می فرمودند: مرجع بزرگ حضرت آیت الله العظمی بروجردی و وکیل منحصر ایشان حضرت آیت الله حاج سید ابراهیم حق شناس جهرمی (رحمت الله علیهما)، حق آقایی و پدری گردن ما و بیت ما دارند و اگر آن ها نبودند و مقرری ماهانه آنان نبود معلوم نبود که چه می شد و اکنون در دانشگاه هم شاید نبودیم. گفتنی است در زمان دیگری، دیگر فرزند این عالم قدیمی جهرم، یعنی برادر دیگر ایشان فرمودند که: من در طول عمرم فقط دست دو روحانی را بوسیده ایم یکی دست پدر عالمم و دیگری دست مرجع بزرگ حضرت آیت الله العظمی بروجردی (رحمت الله علیهما) را بوسیده ام.

عنایت خاص آیت الله العظمی بروجردی (قدس سرّه الشّریف) به آیت الله حاج

سید احمد حق شناس جهرمی (رحمت الله علیه)

استاد گرانقدرم حضرت آیت الله مرحوم حاج سید احمد حق شناس جهرمی تنها فرزند روحانی حضرت آیت الله حاج سید ابراهیم حق شناس جهرمی (رضوان الله تعالی علیهما) در سال ۱۳۳۷ هجری شمسی که استاد ما در حوزه علمیه خان (زمانیه) جهرم بود برای ادامه تحصیل به حوزه علمیه قم رفتند و در ابتدا به همراه پسر دائی محترم خود صدیق مکرم حضرت حجت الاسلام والمسلمین حاج سید محمد مهدی دادور آیت اللهی جهرمی (دام عزه) در اتاق اجاره ای زندگی می کردند تا این که حجات طبقه اول مدرسه علمیه خان قم به امر مرجع عظیم الشان حضرت آیت الله العظمی

بروجردی (اعلی مقامه الشریف) تجدید بنا شد و طبقه اول مدرسه نوساز خان قم آماده واگذاری و بهره برداری و در اختیار گرفتن شد و طبقه دوم و سوم مشغول ساختن بودند. در آن زمان استاد ارجمند حضرت آیت الله مرحوم حاج سید احمد حق شناس جهرمی (رحمت الله علیه) به مرحوم آقای حاج محمد حسین احسن، منشی مخصوص حضرت آیت الله العظمی بروجردی (رضوان الله تعالی علیه) مراجعه و درخواست حجره می نمایند. آقای احسن نقل کرده بود: وقتی جریان به محضر مرجع عظیم الشان حضرت آیت الله العظمی بروجردی (اعلی مقامه الشریف) عرض کردم، حضرت آیت الله العظمی بروجردی (رضوان الله تعالی علیه) فرمودند: آقای حق شناس به حوزه حق دارند. و منظورشان والد معظم ایشان حضرت آیت الله حاج سید ابراهیم حق شناس جهرمی (رحمت الله علیه) بوده است. و حسب الامر مرجع عظیم الشان حضرت آیت الله العظمی بروجردی (طاب ثراه) حجره ای اختصاصی در روبروی حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه (سلام الله تعالی علیها) که پنجره هایش به داخل خیابان و روبروی حرم مطهر باز می شد، به استاد بزرگوارم حضرت آیت الله مرحوم حاج سید احمد حق شناس جهرمی (رحمت الله علیه) داده بودند.

و زمانی که اینجانب قصد ادامه تحصیل در حوزه علمیه قم نمودم و با استاد عزیزم حضرت آیت الله مرحوم حاج سید احمد حق شناس جهرمی (رضوان الله تعالی علیه) مشورت نمودم، مرا شرمنده کردند و فرمودند: کار خوبی می کنی بیا و ما هم در مدرسه خان آیت الله العظمی بروجردی (رضوان الله تعالی علیه) قم حجره ای داریم و در خدمت هستیم. و حقیر نیز به وقت تحصیل و سکنی در حوزه علمیه قم ظهرها پایگاه و جایگاهم حجره استادم حضرت آیت الله حاج سید احمد حق شناس جهرمی (رحمت الله علیه) بود و اگر دوستان کارم داشتند می آمدند و در مدرسه خان آیت الله العظمی بروجردی (رضوان الله تعالی علیه) قم مرا پیدا می کردند و می دانستند ظهرها آنجا هستم و در مدرسه رضویه قم محل سکنای خودم نیستم. و از آن جا خاطره ها دارم و ظهرها از بازگشت از درس، نماز ظهر و عصر را در مدرسه خان آیت الله العظمی بروجردی (رضوان الله تعالی علیه) قم که

حضرت آیت الله العظمی حاج میرزا هاشم آملی (رضوان الله تعالی علیه) اقامه می کردند، به جماعت می خواندم.

همین جا شایسته است ذکر شود که آیت الله زاده معظم آیت الله العظمی بروجردی (اعلی الله مقامه الشریف) یعنی حضرت حجت الاسلام والمسلمین مرحوم آقا سید محمد حسن احمدی طباطبائی بروجردی (رضوان الله تعالی علیه) از جمله اساتید دوره سطح آیت الله مرحوم حاج سید احمد حق شناس جهرمی (رحمت الله علیه) بودند.

و گفتنی است که ابتدای ورود و سکنی حقیر در مدرسه علمی رضویه قم، استاد بزرگوارم حضرت آیت الله کریمی جهرمی (دامت برکاته) نیز در مدرسه رضویه قم سکنی داشت ولی بعد به مدرسه خان آیت الله العظمی بروجردی (رضوان الله تعالی علیه) قم و حجره مجاور و نزدیک دوست و رفیق شفیق و عالم زاده و همشهری خود حضرت آیت الله حاج سید احمد حق شناس جهرمی (رضوان الله تعالی علیه) رفت و در آن جا مستقر شد و سکنی گزید و دیگر جهرمی ساکن در مدرسه خان آیت الله العظمی بروجردی (قدس سره الشریف) قم، صدیق مکرم حضرت حجت الاسلام والمسلمین حاج سید محمد مهدی دادور آیت اللهی (دامت برکاته) بود که در ابتدا در طبقه اول و بعد در طبقه سوم مدرسه خان آیت الله العظمی بروجردی (رحمت الله علیه) سکنی داشتند. و حتی شیرینی مراسم ازدواجشان نیز در آن حجره و آن مدرسه به ما طلاب دادند. و زمانی نیز یکی از برادران محترم به تناسب می فرمودند: همان طور که مدرسه خان قم را مدرسه خان آیت الله العظمی بروجردی (قدس سره الشریف) می خوانیم باید مدرسه خان جهرم نیز به نام مدرسه خان آیت الله حق شناس (رضوان الله تعالی علیه) بخوانیم.

امر حضرت آیت الله العظمی بروجردی به آیت الله شرعی دارابی (رضوان الله تعالی علیهما)

استاد گرانقدرم حضرت آیت الله مرحوم حاج شیخ حسین شب زنده دار (رحمت الله علیه) فرمودند:
حضرت آیت الله مرحوم حاج شیخ غلامحسین شرعی دارابی (قدس سرّه الشریف) [پدرخانم
محترمشان] همان طوری که از محضر درس مرحوم آیت الله العظمی حاج سید محمدتقی خوانساری
و آیت الله العظمی صدر و آیت الله نویسی (قدس الله اسرارهم) بهره مند بوده اند از محضر درس سید
الطائفه حضرت آیت الله العظمی بروجردی (قدس الله سرّه و طیب رمسه) استفاده ها برده تا به مقام
رفیع اجتهاد نائل می گردند. و بعد به درخواست مردم شریف داراب و امر و فرمان زعیم عالیقدر
حضرت آیت الله العظمی بروجردی (رضوان الله تعالی علیه) شاگرد معظم ایشان حضرت آیت الله حاج
شیخ غلامحسین شرعی (قدس سرّه الشریف) به داراب می رود و به ارشاد و هدایت و تربیت مردم
اقدام می کند و با پایگاه و مرکزیت قرار دادن مسجد سروی داراب به مبارزه با گروهک های منحرف
به خصوص توده ای ها می پردازد و تبلیغات ضد دینی آنان را خنثی می کند و با تدریس در مدرسه
علمیه داراب رونقی به مدرسه می بخشد و آن جا را آباد می کند.

آیت الله العظمی زاده حجت الاسلام والمسلمین آقا سید احمد احمدی بروجردی (رحمت الله علیه) طلبه مدرسه علمیه مبارکه رضویه قم

مدرسه علمیه مبارکه رضویه قم که حقیر در آن سکنی داشتم منسوب به حضرت ثامن الحجج علی
بن موسی الرضا (علیه آلاف التحية و الثناء) می باشد و چاهی در آن قرار داشته و هنوز هم آثاری از آن
باقی است که در افواه و السنه مردم قم از قداست آن سخن ها می باشد و به خاطر انتساب و شاید
توجه خاص امام رضا (علیه السلام)، یک معنویت عجیبی در مدرسه احساس می شد و حکم فرما بود.
مدرسه رضویه از جمله قدیمی ترین مدارس علمیه قم است که گویا بنای اولیه مدرسه مربوط به قبل

از قرن هفتم هجری قمری بوده و تعمیر اولیهٔ مدرسه به حدود ۴۵۰ سال قبل بر می‌گردد و آن مدرسه دارای ایوانی رفیع بوده و مسجد و بیش از ۲۰ حجره داشته و بزرگ بوده است؛ که نصف آن مدرسه بر اثر احداث خیابان آذر از بین رفته و حدود ۱۳ حجره باقی مانده بود و در طبقهٔ دوم، کتابخانهٔ مدرسه ساخته شده بود و آیت الله مرحوم حاج شیخ غلامحسین شرعی دارابی (پدر خانم استاد حضرت آیت الله مرحوم حاج شیخ حسین شب زنده دار جهرمی) قبل از ورود حضرت آیت الله العظمی بروجردی (اعلی الله مقامه الشریف) و احتمالاً در زمان فقیه عظیم الشان حضرت آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی (قدس سره الشریف) مؤسس حوزهٔ علمیهٔ قم حجرات مدرسه را که انبار برخی بازاریان قم شده بوده باز پس می‌گیرد و در زمان حضرت آیت الله العظمی بروجردی (اعلی الله مقامه الشریف)، اقدام به تعمیرات اساسی در مدرسه نموده بود و امورات وقفی مدرسه و حتی تولیت آن را فعال نموده بود و بعد آن نیز، حضرت حجت الاسلام و المسلمین حاج شیخ احمد منتظری موحد قمی (دامت برکاته) که خود از طلاب قدیمی آن مدرسه بودند در آن مدرسه منشأ خدمات شدند و مدیریت مدرسه را بر عهده گرفتند و مدرسه را مرمت و بازسازی کردند و در زمان تحصیل ما، نامبرده مدیر داخلی مدرسه بودند که گویا ساخت کتابخانهٔ مدرسه در طبقهٔ دوم در زمان ایشان انجام شده بود. و بعداً آیت الله حاج شیخ محمد علی شرعی (رحمت الله علیه) و اخوی محترمشان صدیق مکرم حضرت حجت الاسلام والمسلمین حاج شیخ عبدالکریم شرعی (دامت برکاته)، نیز که از طلاب آن مدرسه بودند؛ گویا با پیشنهاد آیت الله شهید علیقدوسی (رحمت الله علیه) ادارهٔ مدرسه را آیت الله مرحوم حاج شیخ محمد علی شرعی (رحمت الله علیه) بر عهده گرفتند و منشأ خدمات علمی، فرهنگی، عمرانی در آن مدرسه شدند و آیت الله حاج شیخ علی اکبر مسعودی خمینی (تولیت سابق حرم حضرت فاطمهٔ معصومه سلام الله تعالی علیها) نیز چند سال در قبل از انقلاب در مدرسهٔ رضویه مدیر داخلی بودند و از قبل از پیروزی انقلاب اسلامی به پیشنهاد آیت الله مرحوم حاج شیخ محمد علی شرعی (رحمت الله علیه) تا چند سال قبل که به قم مشرف بودم بیش از

۳۰ سال حجت الاسلام والمسلمین حاج شیخ ابراهیم کاظمی خوانساری (داماد آیت الله مرحوم حاج سید عبدالرسول شریعتمداری جهرمی) که از شاگردان آن مدرسه بوده اند؛ عهده دار مدیریت مدرسه بودند و اکنون روحانی بزرگوار دیگری مدیریت مدرسه را برعهده دارند.

مدرسه رضویه تقریباً در محله قدیمی بازار کهنه قم و به نظرم به نام محله شاه خراسان واقع است این مدرسه از طرف شمال به بازار قدیمی معروف قم و از طرف جنوب به خیابان آذر متصل است اگر چه اکنون در سه سمت آن یعنی مشرق و مغرب و شمال آن حجره های طلبه ها قرار دارد و همین طور که گفتم گویا در قدیم در سمت جنوب آن هم حجره هایی بوده که با احداث خیابان آذر خراب شده اند. این مدرسه دارای دو درب است یکی به طرف خیابان آذر که دربی آهنی و ساده بود، یکی به طرف بازار کهنه قم که دربی چوبی و قدیمی بود که تقریباً روبروی مسجد بازار کهنه (مسجد مدرسه) که حضرت آیت الله مرحوم حاج شیخ غلامحسین شرعی دارابی (رضوان الله تعالی علیه) امامت جماعت آنجا می بود؛ باز می شد. و چون از درب قدیمی که به بازار باز می شد وارد مدرسه می شدیم پس از راهروی وسیع وارد حیاط مدرسه می شدیم. در سمت راست راهرو سه حجره و در سمت چپ سه حجره روبروی قبله وجود داشت و ما از سمت چپ ورودی از طرف درب بازار حجره داشتیم. حجره اول متعلق به صدیق مکرم حضرت حجت الاسلام والمسلمین مرحوم حاج شیخ جعفر امامی دارابی (از نویسندگان محترم تفسیر نمونه و تفسیر پیام امام امیرالمومنین علیه السلام: شرح نهج البلاغه به سرپرستی مرجع عالیقدر جهان تشیع استاد بزرگوارم حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی دامت برکاته) و دوست بزرگوارم حضرت حجت الاسلام حاج شیخ محمدرضا رضائی (از روحانیون کنونی داراب که سالها در آموزش و پرورش داراب خدمت نمودند) بود. و حجره دوم متعلق به صدیق مکرم حضرت حجت الاسلام والمسلمین شهید سید محمدکاظم دانش دزفولی و مرحوم آقای میرزا علی محمد نمازی (رحمت الله علیهما) و حقیر بود که روبروی آن باغچه ای و درختانی در آن بود. از جمله طلاب سرشناس آن روز مدرسه استاد بزرگوارم حضرت آیت الله کریمی جهرمی

(دامت برکاته) بود که پس از یک سال از ورود حقیر از مدرسه رضویه به مدرسه خان آیت الله العظمی بروجردی (رحمت الله علیه) قم منتقل شد و دیگری حضرت آیت الله حاج سید نجف رضوی بهبهانی (دامت برکاته) که در زمان سکونت در مدرسه علمیه رضویه، افتخار دامادی حضرت آیت الله مرحوم حاج شیخ غلامحسین شرعی دارابی (رحمت الله علیه) را پیدا نمود و از جمله دیگر طلاب آن روز ابوالشہید حجت الاسلام والمسلمین سید محمدباقر آل طه، اهل یاسوج بودند.

و مشهور است که از جمله شاگردان این مدرسه حضرت آیت الله العظمی بهاء الدینی، استاد بزرگوار حضرت آیت الله حاج شیخ میرزا علی مشکینی، حضرت آیت الله حاج سید حسین بدلا، حضرت آیت الله حاج سید محمود طالقانی، آیت الله العظمی زاده محترم حضرت حجت الاسلام والمسلمین مرحوم آقا سید احمد احمدی بروجردی فرزند مرجع عظیم الشان حضرت آیت الله العظمی بروجردی (رضوان الله تعالی علیهم اجمعین) و پس از تحصیل ما از جمله افراد که شنیده ام حجت الاسلام والمسلمین مرحوم شیخ محمد دشتی (مترجم نهج البلاغه)، حجت الاسلام و المسلمین حاج سید حسن خمینی، نیز بوده اند.

و ما همیشه می گفتیم و افتخار می کردیم که در مدرسه ای درس می خوانیم که مرجع عظیم الشان حضرت آیت الله العظمی بروجردی (اعلی الله مقامه الشریف) فرزندشان را در این مدرسه برای تحصیل می فرستادند. استاد بزرگوارم حضرت آیت الله مرحوم حاج سید محمدعلی آستانه، مدت زمانی در این مدرسه سکنی داشته اند و همچنین حضرت آیت الله حاج شیخ اسدالله ایمانی (نماینده فقیه ولی فقیه در استان فارس و امام جمعه سابق شیراز)، صدیق مکرم حضرت حجت الاسلام والمسلمین دکتر ابوفاضل رضوی اردکانی (امام جمعه موقت شیراز) نیز مدت زمان کوتاهی در ابتدای ورود به حوزه علمیه قم در مدرسه رضویه قم سکنی داشتند. و هر زمان که با مرحوم آیت الله ایمانی (رحمت الله علیه) دیدار می نمودم، معظم له محبت می کردند و می فرمودند که: یاد مدرسه علمیه رضویه قم به خیر، و یاد ایام تحصیل در حوزه علمیه قم و مدرسه علمیه رضویه قم می نمودند.

و آیت الله علامه مرتضی عسکری (رحمت الله علیه) در زمان حیات مؤسس حوزه علمیه قم حضرت آیت الله العظمی حائری یزدی (اعلی الله مقامه الشریف) وارد حوزه علمیه قم می شوند در ابتدای زمان ورود به قم در مدرسه رضویه قم ساکن می شوند؛ که در آن زمان آیت الله حاج شیخ مهدی حکمی قمی پایین شهری، مدیریت مدرسه را به عهده داشته است. که آنجا را تعمیر و آباد و مجمع فضلاء و محصلین قرار می دهد. مرحوم آیت الله سید حسن بدلا (رحمت الله علیه) که ما در نمازهای جماعتش در مسجد امام حسن عسکری (علیه السلام) قم شرکت می کردیم و از شاگردان مدرسه رضویه بوده اند، فرموده اند: مدرسه رضویه از عظمت بالایی برخوردار بود و حکم مدرسه فیضیه کنونی قم را داشت.

شایان ذکر است که آیت الله حاج سید حسین بدلا نقل کرده اند که: زمانی که آیت الله آقا شیخ مهدی حکمی قمی پایین شهری در مدرسه رضویه مجلس روضه برپا می کردند، مرجع عظیم الشان حضرت آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی (اعلی الله مقامه الشریف) مؤسس حوزه علمیه قم نیز در آن جلسه و مجلس حضرت اباعبدالله الحسین (علیه السلام) مدرسه رضویه قم شرکت می کردند.

دیدار حضرت آیت الله حدائق با حضرت آیت الله العظمی بروجردی (قدس سره) الشریف) در قم المقدسه

استاد بزرگوارم حضرت آیت الله مرحوم حاج شیخ حسین شب زنده دار جهرمی (رضوان الله تعالی علیه) نقل کردند در سفری که استادم حضرت آیت الله حاج شیخ ابوالحسن حدائق (رحمت الله علیه) به قم مشرف شدند از بدو ورود در جلو مدرسه فیضیه تصادفاً با ماشینی که با خانواده و یکی از دامادهایشان سوار بودند برخورد نمودم و راه به راه به منزل مرحوم حاج عباس تهرانی که خانه وسیعی بود و قسمتی از آن در اجاره ام بود رفتیم و ظاهراً یک هفته در خدمتشان بودم.

پدر خانواده ام حضرت آیت الله مرحوم حاج شیخ غلامحسین شرعی (رحمت الله علیه) از مرحوم آقای حاج محمدحسین احسن، منشی مرحوم آیت الله العظمی بروجردی (قدس الله اسراره)، وقت ملاقات گرفت و به من فرمود: در خدمت آیت الله حاج شیخ ابوالحسن حدائق (رحمت الله علیه) برای دیدار با حضرت آیت الله العظمی بروجردی (قدس سرّه الشریف) باشید. موقع عصر بود رفتیم و آقای احسن راهنمایی کردند و شرفیاب شدیم. از طرز برخورد بسیار احترام آمیز معلوم بود که مرحوم آیت الله العظمی بروجردی (رضوان الله تعالی علیه) از مقام معنوی مرحوم آیت الله حاج شیخ ابوالحسن حدائق مطلع هستند. آن زمان برای آیت الله العظمی بروجردی (اعلی الله مقامه الشریف) بلند شدن برای احترام به اشخاص بسیار مشکل بود ولی همین که مرحوم آقای حدائق وارد اتاق شد، ایشان آماده احترام شدند و هرچه مرحوم آقای حدائق استدعا کردند، نپذیرفتند و با کمک مرحوم آقای سید محمد حسن بروجردی، آیت الله زاده معظمشان و آقای احسن که زیر بازوی آقا را گرفتند، بلند شدند و چون معمولاً در اطاق خصوصیشان عمامه معمولی سر نمی گذاشتند و مقداری پارچه مشکی به دور سرشان بود و نیز بدون عبا بودند، دستور داد عمامه و عبا آوردند و پوشید. پس از تعارفات و احوالپرسی، پرسیدند شما با صاحب حدائق نسبت دارید؟ که جواب دادند، نسبتی نداریم. دوباره به هنگام مرخص شدن از خدمتشان باز با همان زحمت و کمک آقایان مذکور احترام فرمودند و برخاستند. بعداً هم مبلغی وجه محترمانه به وسیله آقای احسن به نام آقای حدائق به منزل اینجانب فرستادند. و روزی که آماده حرکت به شیراز بودند و حقیر هم تا گاراژی که آن زمان روبروی حرم مطهر؛ بود آمده بودم که در گاراژ هنگام حرکت برای شیراز صد تومان آن را در جیب حقیر نهادند.

أنس با خدای متعال و معصومین (علیهم السّلام)

حضرت آیت الله حاج شیخ محمد مهدی شب زنده دار جهرمی (دامت برکاته) از مرحوم والد معظمشان استاد بزرگوارم حضرت آیت الله مرحوم حاج شیخ حسین شب زنده دار جهرمی (رضوان الله تعالی علیه) نقل می فرمودند: مرحوم آیت الله العظمی بروجردی (اعلی الله مقامه الشریف) حالات آنس

با خدای متعال و انس با معصومین (علیهم السّلام) را زیاد داشتند. ایشان در یک سفر که به مشهد مقدس مشرف شده بودند، مرحوم حضرت امام و مرحوم آیت الله شیخ مرتضی حائری یزدی (رحمت الله علیهما) ایشان را همراهی می کردند. نقل شده است حضرت آیت الله العظمی بروجردی (رضوان الله تعالی علیه) مدتی که در مشهد بودند، برای ایشان برنامه ملاقات می گذاشتند، اما وقتی ایشان حرم مشرف می شدند، گاهی دو سه ساعت طول می کشید تا حدی که وقت هایی که تنظیم کرده بودند، از بین می رفت. وقتی این مسأله، خدمت ایشان عرض شد، فرمودند: من وقتی وارد حرم می شوم، از خود بی خود می شوم و توجهی به چیزی ندارم. و انس با حضرت رضا (علیه السّلام) و خود را در آن بارگاه و در آن فضا دیدن، جذبه ای بین من و حضرت رضا (علیه السّلام) ایجاد می کند که از امور دیگر غافل می شوم.

علم را از قدمای قمیون و ایمان و تقوا را از معاصرین قمی یاد گرفتم

همچنین حضرت آیت الله حاج شیخ محمد مهدی شب زنده دار جهرمی (مد ظله العالی) از والد محترمشان حضرت استاد آیت الله مرحوم حاج شیخ حسین شب زنده دار جهرمی (رحمت الله علیه) نقل می فرمودند: زمانی که مرحوم آیت الله العظمی بروجردی (رضوان الله تعالی علیه) به قم مشرف شدند خیلی از بزرگان مثل آیات عظام: مرحوم سید محمدتقی خوانساری و آقای حجت و آقای صدر، با این که خودشان مرجع بودند ولی در درس حضرت آیت الله العظمی بروجردی (اعلی الله مقامه الشریف) شرکت می کردند؛ نه این که احتیاجی به درس ایشان داشته باشند، بلکه برای این بود که بر عظمت ایشان افزوده شود، نمازهایشان را نیز تعطیل می کردند و خیلی تواضع به خرج دادند. لذا آیت الله العظمی بروجردی یک بار بالای منبر فرموده بودند: که من علم را از قدمای قمیون فرا گرفتم _ که مقصودشان مرحوم صدوق و والد صدوق و دیگران بوده است _ ولی ایمان و تقوا را از معاصرین قمی یاد گرفتم.

چرا جلوتر از آقایان وارد شدید؟

باز آیت الله حاج شیخ محمد مهدی شب زنده دار جهرمی (دامت برکاته) از والد ارجمندشان حضرت استاد آیت الله مرحوم حاج شیخ حسین شب زنده دار جهرمی (رحمت الله علیه) نقل می فرمودند: افراد تقریباً مسنی مثل مرحوم پدر آیت الله فاضل لنکرانی و مرحوم سید مصطفی خوانساری از اطرافیان آیت الله العظمی بروجردی بودند. وقتی آیت الله العظمی بروجردی (اعلی الله مقامه الشریف) از درس بر می گردند، آقا زاده شان مرحوم سید محمد حسن بروجردی (رحمت الله علیه) هم همراه آقا بودند. آقا که وارد منزل می شوند، آقا سید محمد حسن بروجردی هم پشت سر ایشان وارد می شوند اما تا آقا می بینند که فرزندشان وارد شد، می ایستند و اعتراض می کنند که حالا من پیرمردم و آقایان قبول نمی کنند که من قبل از آنان وارد نشوم، شما چرا جلوتر از آقایان وارد شدید؟ این ها، نکته های اخلاقی است که خیلی ارزش و جاذبه دارد.

طلبه ها به درس آیت الله العظمی بروجردی بروند

حضرت حجت الاسلام والمسلمین آقای سید محمد هادی صحیح النسب یزدی (دام عزّه) داماد محترم حضرت استاد آیت الله مرحوم حاج شیخ حسین شب زنده دار جهرمی (رحمت الله علیه) به نقل معظم له می فرمودند: یکی از بزرگان سفارش کرده بود که طلبه ها به درس حضرت آیت الله العظمی بروجردی (رضوان الله تعالی علیه) بروند تا شخصیت پیدا کنند، بزرگی پیدا کنند.

حضرت آیت الله العظمی بروجردی (قدس سرّه الشریف) عظمت و حشمتی دیگر

داشت

و نیز حجت الاسلام والمسلمین آقا سید محمد هادی صحیح النسب یزدی (دام عزّه و مجده) به نقل قول از حضرت آیت الله مرحوم حاج شیخ حسین شب زنده دار جهرمی (رضوان الله تعالی علیه) فرمودند که: همه مراجع محترم و بزرگوارند اما حضرت آیت الله العظمی بروجردی (قدس سرّه الشریف) عظمت و حشمتی دیگر داشت.

برای جبران اعتراض

استاد گرانقدرم حضرت آیت الله مرحوم حاج شیخ حسین شب زنده دار جهرمی (رحمت الله علیه) از حضرت آیت الله العظمی حاج شیخ علی صافی گلپایگانی (رضوان الله تعالی علیه) نقل کرده اند که: روزی حضرت آیت الله العظمی بروجردی (اعلی الله مقامه الشریف) از در خانه برای درس بیرون می آمدند، پیرمردی از روستا از ایشان کمک خواست، ایشان فرمودند: پس از درس بیایید و به درس رفتند. من با آن پیرمرد به درس حاضر شدیم، چون دقایقی زود بود حضرت آیت الله العظمی بروجردی (رضوان الله تعالی علیه) پایین منبر نشستند، پیرمرد رفت جلو که سؤال شرعی را مطرح کند، حضرت آیت الله العظمی بروجردی (رحمت الله علیه) حرف او را درست متوجه نشدند و تصور کردند دوباره اظهار حاجت می کند، فرمود: به شما گفتم که پس از درس بیایید منزل.

آقای صافی فرمود: من گفتم آقا ایشان مسأله شرعی دارند، آقا متوجه شدند و جواب او را دادند و به منبر رفتند و پس از پایان درس وقتی از منبر پایین آمدند، پیرمرد همان جا بود که حضرت آیت الله العظمی بروجردی (رضوان الله تعالی علیه) برای جبران اعتراض به پیرمرد، دست پیرمرد را گرفتند و بوسیدند و فرمود: مرا ببخشید.

آیت الله کاشانی (رحمت الله علیه)

هم چنین استاد عالیقدرم حضرت آیت الله مرحوم حاج شیخ حسین شب زنده دار جهرمی (رحمت الله علیه) از مرجع گرانقدر حضرت آیت الله العظمی حاج شیخ لطف الله صافی گلپایگانی (دامت برکاته) نقل کردند که:

شخصی به من گفت مرحوم آیت الله کاشانی (رحمت الله علیه) در مجلس ترحیم آیت الله العظمی بروجردی (رضوان الله تعالی علیه) سخت می گریست. من از دیدن این جریان تعجب کردم که چطور آقای کاشانی این حالت را پیدا کرده اند، با آن که ایشان با مرحوم آقای بروجردی در امور سیاسی همفکر نبودند. بالاخره روزی خصوصی خدمت ایشان رسیدم و این موضوع را مطرح کردم. آقا در پاسخ

فرمودند: وقتی من از لبنان به تهران آمدم سخت مقروض بودم و این قرض مدت ها طول کشید و من نتوانستم آن را ادا کنم و از این بابت بر من فشار می آمد.

سرانجام روزی تصمیم گرفتم این بدهی را به مرحوم آیت الله العظمی بروجردی (رضوان الله تعالی علیه) خبر دهم تا آن را از سهم مبارک امام، ادا کنند و با خود گفتم ایشان هم که منتی ندارند، چون از بیت المال آن را می پردازند. من این مطلب را در دل گذراندم ولی فردا صبح در کمال تعجب دیدم حاج احمد- پیشکار آقا - به منزل ما آمد و گفت آقا به من فرمودند: خدمت آقای کاشانی بروید و این پاکت را خدمت ایشان بدهید.

آقای کاشانی فرمودند: من پاکت را باز کرده و دیدم دوازده هزار و دویست و پنجاه تومان پول است و من تا آن روز مبلغ بدهی خود را به طور کامل نمی دانستم بعداً که خوب حساب کردم دیدم مبلغی را که آقای بروجردی فرستاده اند درست برابر با همان مقدار بدهی است. اینجا بود که فهمیدم مرحوم آیت الله العظمی بروجردی (رحمت الله علیه)، غیر از مرجعیت رابطه های دیگری نیز هم دارند.

عدالت

هم چنین حضرت آیت الله آقا شیخ محمد مهدی شب زنده دار جهرمی (دامت برکاته) به نقل از والد محترمشان استاد گرانقدرم حضرت آیت الله مرحوم حاج شیخ حسین شب زنده دار جهرمی (رحمت الله علیه) می فرمایند که: از مرحوم حاج آقا مصطفی فرزند امام (رحمت الله علیه) شنیدم که فرمودند: می خواستم از مرحوم آیت الله العظمی بروجردی تقلید کنم، از پدرم پرسیدم که شما از کجا آیت الله العظمی بروجردی را عادل می دانید؟ و دلیل شما بر عدالت آقای بروجردی چیست؟

مرحوم امام فرمودند: آقای بروجردی از آن ساداتی است که وقتی یک امر ناملایمی را می بیند، خیلی جوش می آورد. اما هیچ وقت از مرز شرع خارج نمی شود، آن چنان بر خودش مسلط است که علیرغم این حالت نفسانی، هرگز از مرز شرع خارج نمی گردد که به کسی بی ادبی کند.

صدای قرآن

نیز استاد بزرگوارم حضرت آیت الله حاج سید حسین شب زنده دار جهرمی (رحمت الله علیه) فرموده اند: آقای حاج شیخ مجتبی اراکی، سرپرست کتابخانه مدرسه فیضیه قم [که در زمان طلبگی ما امور مربوط به سربازی طلاب و ... را بر عهده داشت] فرمودند: هنگام دفن حضرت آیت الله العظمی بروجردی (رضوان الله تعالی علیه) دفن ایشان به من واگذار شد، مقدمات دفن فراهم شد و من با صدای ایشان آشنا بودم چون گاهی به منزل ایشان می رفتم صدای قرائت قرآن ایشان را از کتابخانه می شنیدم. هنگام دفن همین که خم می شدم و سرم را در قبر می بردم صدای قرآن ایشان را می شنیدم و وقتی سرم را بالا می گرفتم و از سطح قبر بیرون می آمدم صدا را نمی شنیدم.

ملائکه

هم چنین حضرت استاد آیت الله مرحوم حاج شیخ حسین جهرمی شب زنده دار جهرمی (رضوان الله تعالی علیه) فرمودند: آیت الله صافی از مرحوم آیت الله العظمی بروجردی (اعلی الله مقامه الشریف) نقل کردند که مرحوم میرزا محمد ابراهیم کرباسی اصفهانی یکی از شاگردان سید بحرالعلوم بوده و گفته است به مسجد سهله رفتم دیدم سید بحرالعلوم ایستاده به نماز و تمام صحن نماز پر از جمعیت است و به او اقتدا کردند. من نیز اقتدا کردم و تا سلام گفتم دیدم جمعیتی در کار نیست. به سید بحرالعلوم گفتم این ها جن بودند؟ فرمودند: از کجا ملائکه نبودند.

خدا کند یک سر جلو به اسلام خدمت کرده باشیم

حضرت آیت الله حاج آقا محمد مهدی شب زنده دار جهرمی (دامت برکاته) از قول مرحوم آیت الله والدشان حضرت استاد آیت الله مرحوم حاج شیخ حسین جهرمی شب زنده دار جهرمی (رضوان الله تعالی علیه) نقل می کند که: حضرت آیت الله العظمی بروجردی (رحمت الله علیه) بزرگ مرجع شیعیان جهان در جلسه درس فرمودند: خدا کند وقتی ما از دنیا می رویم یک سر جوی به اسلام خدمت کرده باشیم.

خیال نکنند که منتهی بر ما دارند

و باز حضرت آیت الله حاج آقا محمد مهدی شب زنده دار جهرمی (دامت توفیقاته) از قول مرحوم آیت الله والد محترمشان حضرت استاد آیت الله مرحوم حاج شیخ حسین جهرمی شب زنده دار جهرمی (رضوان الله تعالی علیه) نقل می فرماید که: مرحوم آیت الله العظمی بروجردی (قدس سرّه الشریف) آن زعیّم عالیقدر به حفظ مکانت و زی طلبگی اهتمام داشتند، بنده شنیده ام که بعضی از تجّار مهم تهران وجوهات فراوانی برای ایشان آورده بودند اما مثلاً چون داخل پاکت نبود ایشان نپذیرفته بودند تا خیال نکنند که منتهی بر ما دارند.

این ها به تشیّع خدمت کرده اند

حضرت حجت الاسلام والمسلمین صحیح النسب یزدی (دامت برکاته) داماد محترم حضرت استاد آیت الله مرحوم حاج شیخ حسین شب زنده دار جهرمی (رحمت الله علیه) نقل فرمودند که: استاد فرمودند: چندین بار من عصبانیت مرحوم آیت الله العظمی بروجردی (قدس سرّه الشریف) را بعد از تخریب و تسطیح قبر شاه عباس را دیدم. و شنیدم که ایشان فرمودند: که این ها به تشیّع خدمت کرده اند.

ماهانه پنج تومان شهریه

استاد گرانقدرم حضرت آیت الله حاج سید محمدعلی آستانه (رحمت الله علیه) در سال ۱۳۲۸ هجری شمسی پس از ۷ سال تحصیل در حوزه علمیّه نیم آورد اصفهان برای ادامه تحصیل به همراه برادر خود، دانشمند محترم جناب آقای سید مهدی آستانه (دام عزه) عازم حوزه مقدسه قم شدند و در مدرسه رضویه قم (که حقیر نیز سال ها در دهه ۱۳۴۰ هجری شمسی ساکن حوزه علمیّه رضویه قم بودم) سکنی گزیدند. مرحوم آیت الله آستانه (رحمت الله علیه) می فرمودند: در آن زمان، از طرف مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی بروجردی (اعلی الله مقامه الشریف) به وسیله استاد بزرگوارم حضرت آیت الله

شهید محمد صدوقی (رحمت الله علیه) ماهیانه پنج تومان شهریه به طلاب مجرد داده می شد و از طرف مرجع دیگر آیت الله العظمی سید محمد حجت کوه کمری (رحمت الله علیه) روزانه یک چارک نان به افراد مجرد داده می شده است.

بعد به دستور مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی بروجردی (قدس سرّه الشریف) از طلابی که دوره سطح را به پایان رسانیده اند امتحان به عمل می آمد استاد بزرگوارم حضرت آیت الله مرحوم حاج سید محمد علی آستانه (رحمت الله علیه) نیز در اولین امتحانی که از طرف مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی بروجردی (رحمت الله علیه) در حوزه علمیه قم برگزار شده شرکت و در دوره سطح به عنوان نفر اول انتخاب شده بودند. و به وسیله اساتید ممتحن و آیت الله العظمی مرحوم حاج شیخ علی صافی گلپایگانی (طاب ثراه) به خدمت مرجع بزرگ حضرت آیت الله العظمی بروجردی (قدس سرّه الشریف) معرفی و به تشویق و وجوه و هدیه و دعای خیر معظم له نائل آمده بودند. و تا آخرین روزهای حیات پر برکتشان سمت و سوهای خوب زندگی خود را به دعای آن مرجع والامقام می دانستند. استاد گرانقدرم حضرت آیت الله مرحوم حاج سید علی آستانه (رضوان الله تعالی علیه) برای مرجع عظیم الشان حضرت آیت الله العظمی بروجردی (اعلی الله مقامه الشریف) احترام خاصی قائل بود و تا روزهای آخر حیاتشان در بیمارستان پیمانیه جهرم از مرجع فقید حضرت آیت الله العظمی بروجردی (رحمت الله علیه) و شیرینی تفقد آن روز سخن به بیان می آورد و می فرمودند: حضرت آیت الله العظمی بروجردی (رضوان الله تعالی علیه) که مرجع بزرگ عالم تشیع بود و توانا ترین

شخصیت مذهبی اجتماع بود، این بزرگ ترین شخصین علمی روحانی مملکت، مثل یک فرد عادی معمولی جامعه، به یک حمام عمومی وارد و خارج می شد و این نکته ارزنده فراموش ناشدنی است. و فقط یک همراه ساده داشت و دیگر هیچ تشریف و آدابی نداشت.

از جمله جهرمی‌هائی که افتخار شاگردی آیت الله العظمی بروجردی (رضوان الله

تعالی علیه) داشته‌اند:

۱- استاد بزرگوار حضرت آیت الله مرحوم آقا سید فخرالدین دادور آیت اللهی (رحمت الله علیه) رئیس و مؤسس حوزه علمیه فخریه بروجردیه جهرم که آن حوزه علمیه را به خاطر عنایت ویژه و احترام و یاد مرجع بزرگوار حضرت آیت الله العظمی بروجردی (اعلی الله مقامه الشریف) نامیدند. و حقیر چند سال در آن مدرسه علمیه تحصیل دروس حوزوی نمودم که به همراه حجج اسلام آقا سید ابراهیم بحرینی و آقا شیخ بهاءالدین شفیعی و مرحوم میرزا علی محمد نمازی نزد حضرت حجت الاسلام والمسلمین مرحوم حاج شیخ عبدالعظیم فرقانی (رضوان الله تعالی علیه) مدیر داخلی مدرسه علمیه فخریه بروجردیه جهرم، سیوطی و ... خواندیم.

۲- استاد بزرگوارم حضرت آیت الله مرحوم حاج شیخ حسین شب زنده‌دار جهرمی (رحمت الله علیه).

۳- استاد بزرگوار حضرت آیت الله مرحوم حاج سید عبدالرسول شریعتمداری جهرمی (رحمت الله علیه).

۴- استاد بزرگوار حضرت آیت الله مرحوم حاج سید حسن شریعتمداری جهرمی (رحمت الله علیه).

۵- استاد بزرگوارم حضرت آیت الله مرحوم حاج سید حسین آیت اللهی (رحمت الله علیه) امام جمعه فقید جهرم.

۶- استاد بزرگوارم حضرت آیت الله مرحوم حاج سید محمد علی آستانه (رحمت الله علیه).

۷- حضرت آیت الله مرحوم حاج سید عبدالحسین آیت اللهی جهرمی معروف به آقای بزرگ (رحمت الله علیه).

۸- حضرت حجت الاسلام والمسلمین مرحوم آقا سید ابوالقاسم شفیعی (رحمت الله علیه).

۹- استاد بزرگوارم حضرت آیت الله حاج شیخ ابوالقاسم محبوب جهرمی (دامت برکاته). که معظم له می فرمودند: از آیت الله العظمی بروجردی مفتخر به دریافت تأییدی بسیار ارزشمندی می باشم.

۱۰- استاد بزرگوارم حضرت آیت الله حاج سید احمد واحدی جهرمی (دامت برکاته).

شایان ذکر است که آیت الله مرحوم حاج سید عبدالرسول شریعتمداری جهرمی (رحمت الله علیه) خاطرات خوبی از استاد خود حضرت آیت الله العظمی بروجردی (اعلی الله مقامه

الشّریف) تعریف می‌کردند، که برخی از آنها را دوست بزرگوارمان نویسنده توانا حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین آقای دکتر عبدالله امینی پور (دام عزّه و مجده) ضبط کرده‌اند.

و مباحث «قضا» مطرح شده در حدود سال ۱۳۳۹ هجری شمسی و «الصلاه فی الباس المشکوک» مطرح شده در سال ۱۳۷۱ هجری قمری مصادف با ۱۳۳۰ هجری شمسی (که چندین بار در کتب مختلف چاپ شده) و تقریرات مجموعه مسائل فقهیه درس آن مرجع عظیم الشان حضرت آیت الله العظمی بروجردی (اعلی الله مقامه الشّریف) را حضرت آیت‌الله مرحوم حاج سیّد عبدالرسول شریعتمداری جهرمی (رحمت الله علیه) نگاشته‌اند.

و همچنین پسر دائی محترم ایشان استاد بزرگوارم حضرت آیت الله مرحوم حاج سیّد حسین آیت‌اللهی (رحمت الله علیه) امام جمعه فقید جهرم نیز مباحث طهارت، خمس و قضاء درس خارج فقه حضرت آیت الله العظمی بروجردی (رضوان الله علیه) نگاشته‌اند و حضرت آیت الله مرحوم حاج سیّد عبدالحسین آیت‌اللهی جهرمی معروف به آقای بزرگ (رحمت‌الله علیه) متولی فقید مقبره خاندان آیت‌اللهی در جهرم نیز می‌فرمودند که: من در مبحث فقه معظم له و اکثراً با پسر عموی محترم آیت الله مرحوم حاج سیّد حسین آیت‌اللهی امام جمعه فقید جهرم شرکت داشته‌ام.

تقلید ابتدائی از حضرت آیت الله العظمی بروجردی (رضوان الله تعالی علیه)

در دهه ۱۳۸۰ هجری شمسی که حضرت آیت الله مرحوم حاج سیّد عبدالرسول شریعتمداری جهرمی (رحمت الله علیه) در جهرم تشریف داشتند روزی بنده زاده

مجیدرضا جهان مهین نقل کردند که: امروز به تناسب مبحث تقلید و تقلید ابتدائی از میّت، حضرت آیت الله حاج سیّد عبدالرسول شریعتمداری جهرمی فرمودند که: به عقیده من تقلید ابتدایی از حضرت آیت الله العظمی بروجردی (رضوان الله تعالی علیه) با این که حیّ نیستند جائز است و حتی توصیه و سفارش می نمایم.

همچنین شبیه همین مطلب را حقیر نیز از یکی از اساتید بزرگوارم (حفظه الله) که ساکن حوزه علمیه قم می باشد، شنیده ام.

ناراحتی آیت الله العظمی بروجردی (اعلی الله مقامه الشریف) از مهاجرت برخی از شاگردانشان به تهران

در ایامی که حضرت آیت الله مرحوم حاج سیّد عبدالرسول شریعتمداری جهرمی (رحمت الله علیه) به جهرم تشریف می آوردند معمولاً حقیر و بنده زاده مجیدرضا جهان مهین خدمتشان می رسیدیم. روزی در جواب سؤال بنده زاده مجیدرضا جهان مهین، فرمودند: اخیراً در مدرسه فیضیه قم، حضرت آیت الله العظمی بهجت را دیدم فرمودند که: اخوی شما حجت الاسلام والمسلمین مرحوم آقا سیّد حسن شریعتمداری جهرمی در درس سیّد الطائفه حضرت آیت الله العظمی بروجردی (اعلی الله مقامه الشریف) شرکت می کرد و همزمان با آقای مطهری از قم به مدرسه مروی تهران رفتند و در آنجا ساکن شدند (استاد علامه مطهری و مرحوم آقا سیّد حسن شریعتمداری دوستان صمیمی و بسیار مأنوس بودند) و مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی بروجردی (رضوان الله تعالی علیه) از موضوع که باخبر شد، شدیداً ناراحت شدند. آیت الله بهجت فرمودند: آقا اگر مطلع شده

بودند به هیچ وجه نمی گذاشتند ایشان به تهران برود. و اتفاقاً آن ها هم با ایشان خداحافظی نکرده بودند زیرا می دانستند که آن بزرگوار اجازه رفتن به تهران به آن ها نمی دهد و لذا خداحافظی نکرده بودند.

گفتنی است حقیر شنیدم که حجت الاسلام والمسلمین مرحوم آقا سید حسن شریعتمداری جهرمی (رحمت الله علیه) در رابطه با جریان فدائیان اسلام و طرح تحول حوزه و ... دل سرد و نگران و رنجیده خاطر شده بودند ولی به مقام مرجعیت احترام وافر می گذاشتند.

ارادت

استاد عالیقدرم حضرت آیت الله حاج سید احمد واحدی جهرمی (دامت برکاته) فرمودند که: یک سال در درس مرجع عظیم الشان حضرت آیت الله العظمی بروجردی (رضوان الله تعالی علیه) شرکت کردم. باب قضا و شهادت را تقریر کردم و زمان امتحان هم تقریراتم را نشان دادم و مرجع بزرگ حضرت آیت الله العظمی بروجردی (اعلی الله مقامه الشریف) بعد از یکسال بعد که قضا و شهادت گفتند مرحوم شدند. و امام خمینی (رضوان الله تعالی علیه) نسبت به آیت الله العظمی بروجردی (رحمت الله علیه) ارادت و علاقه زیاد داشت. حتی حضرت استاد آیت الله واحدی جهرمی (دامت توفیقاته) می فرمودند: من شنیده ام امام خمینی (رحمت الله علیه) گفته بودند، ما حتی برای آقا ظرف آب هم پر می کنیم. تا این حد! آقای خمینی دارای قلب صافی بودند.

به هر حال استاد بزرگوارم حضرت آیت الله واحدی جهرمی (مدظله العالی) که دارای طبع شعر نیز می باشند قطعه شعری به مناسبت ارتحال استاد خود حضرت آیت الله العظمی بروجردی (رضوان الله تعالی علیه) سرودند که آن اشعار بدین قرار می باشد:

رفت از دست، و نی از دل

اختری کرد در آفاق طلوع
گلی از گلبن دانش بشکفت
که از او گشت جهانی روشن
که بیفزوده صفای گلشن!

بحر موج خرد موج زنان
تربیت کرد ورا مکتب دین
از خود آورد برون در یتیم
تا نمودش به همه خلق زعیم

محفل علم فروزان شمعی
ولی افسوس که او رفت وهمی
بهر اصحاب بصیرت افروخت
جمع پروانه صفت را، پر سوخت!

آیت الله بروجردی آنک
بر سر مردم شیعی مذهب
بر همه خلق جهان رهبر بود
افسر و تاج پر از گوهر بود

وہ چه آثار نکو ماند از او
مسجد و مدرسه و حوزه علم
که جهانی شده نظاره کنان
که دهد پیکر عالم را جان

ای درینجا که چنین منشأ خیر
یک جهان فضل و کمال و تقوی
رفت از دست؛ ولی نی از دل
رفت از دیده ما در دل گل

کاش می توانستم شعر بگویم

در یکی از سفرهای حضرت آیت الله مرحوم حاج سید حسین شب زنده‌دار جهرمی (رحمت الله علیه) که به منزل حقیر تشریف آورده بودند در آنجا اخوی بزرگوارم، آقای حاج محمد ابراهیم (جمال) جهان مهین متخلص به کیمیا قطعه شعری از سروده هایشان درباره امام حسین (علیه السلام) و به خصوص حضرت علی اصغر (علیه السلام) قرائت کردند که همگان تحت تأثیر قرار گرفتند؛ پس از پایان قرائت اشعار، حضرت استاد مرحوم آیت الله حاج سید حسین شب زنده‌دار جهرمی (رحمت الله علیه)، سوال کردند: اشعار سروده خود شما بود؟ اخوی عرض کردند: بله. بعد حضرت آیت الله شب زنده‌دار جهرمی به تناسب فرمودند: در بروجرد وقتی آیت الله العظمی بروجردی (رضوان الله تعالی علیه)، بروجرد تشریف داشته در شب عیدی، شاعر محترمی از تهران رفته بودند و در مجلس اشعاری خوانده بودند مال خودشان. حضرت آیت الله العظمی بروجردی (اعلی الله مقامه الشریف) هم تشریف داشته‌اند. وقتی شعر تمام شده بود رفته بود پیش آقا، حضرت آیت الله العظمی بروجردی (رضوان الله تعالی علیه) فرموده بودند: کاش من می توانستم شعر بگویم و این شعرها مال من بود. آن شاعر هم ادب کرده بود نسبت به حضرت آیت الله العظمی بروجردی (طاب ثراه) و گفته بود من این شعر را به شما بخشیدم. حضرت آیت الله العظمی بروجردی (اعلی الله مقامه الشریف) هم فرموده بودند: قبول کرده‌ام.

آیت الله شب زنده‌دار جهرمی اضافه کردند: شرف شما که در مدح اهل بیت (سلام الله علیهم)، این طور شعر می سرائید و می خوانید کلام روشنی است. و بعد دعا فرمودند که:

خدایا مجلس ما، محل وعظ و مجلس عزاداری حضرت امام حسین (علیه السلام) قرار بده. و هنگام خداحافظی اخوی حاج محمد ابراهیم (جمال) جهان مهین هم محبت کردند و گفتند: دو بیت از شعر که برای حضرت علی اصغر است، تقدیم به شما. حضرت آیت الله شب زنده دار جهرمی (رضوان الله تعالی علیه) هم فرمودند: قبول کردیم با شرف. و مرحوم آیت الله شب زنده دار (طاب ثراه) در آن مجلس حدیثی خواند که: کسی که برای ما اهل بیت، بیتی شعر بسراید، خداوند برای او خانه‌ای در بهشت بنا می‌کند: **فِيْنَا بَيْتَ شِعْرِ بَنِي اللَّهِ لَهُ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ.**

مدرسه علمیة فخریة بروجردیة جهرم؛ یادگار حضرت آیت الله العظمی بروجردی

(اعلی الله مقامه الشریف) در جهرم

استاد بزرگوار حضرت آیت الله مرحوم آقا سید فخرالدین دادور آیت اللهی (رحمت الله علیه) از شاگردان زنده فقیه اهل بیت (علیهم السلام) مرجع عظیم الشان حضرت آیت الله العظمی بروجردی (اعلی الله مقامه الشریف) بودند که در دهه ۱۳۳۰ هجری شمسی به وقت سکنی دائم از قم به جهرم خدمت آن مرجع بزرگوار می‌رسد و به مرجع عظیم الشان حضرت آیت الله العظمی بروجردی (رضوان الله تعالی علیه) اعلام می‌کند که قصد رفتن و رحل اقامت افکندن در منطقه آباء و اجدادی خود شهر جهرم دارم و با توجه به اینکه در خدمت مرجع عظیم الشان حضرت آیت الله العظمی بروجردی (اعلی الله مقامه الشریف) توشه‌ها برچیده بود و درس‌ها فراگرفته بود، فرموده بودند دوست می‌دارم که در آن جا به تبلیغ و تدریس و تربیت طلاب و تأسیس حوزه علمیة اقدام کنم.

گویا حضرت آیت الله العظمی بروجردی (اعلی الله مقامه الشریف) اول از شاگرد خود سؤال می‌فرمایند که: جهرم از سابق حوزه داشته. آقای حق شناس در جهرم حوزه علمیه دارد. در آن جا مگر اکنون آقای حق شناس حوزه علمیه ندارند؟ جهرم مگر حوزه علمیه ندارد؟ به چه صورت هست؟ و ... پس از توضیحات قانع کننده آیت الله مرحوم آقا سید فخرالدین دادور آیت اللهی (رحمت الله علیه)، آن مرجع والامقام می‌فرمایند که: باید حوزه علمیه جدید با فاصله از حوزه علمیه سابق باشد و مراعات احترام به آن حوزه و آقایان آن جا به خصوص برادر خانم محترمتان حضرت آیت الله حق شناس نیز حفظ شود و ... که معظم له می‌فرمایند: فاصله محلات ما با محله ایشان زیاد است و این شش محله این طرف با آن شش محله آن طرف شهر فاصله است و نیاز است و حتی شایسته است با توجه به سابقه شهر و محل و حتی سابقه تدریس و سکناى علماء و اجدادمان در این قسمت شهر هم مرکز علمی حوزوی دینی و لجنه های علمی برقرار شود و پس از آن مرجع بزرگوار عنایت کرده و مبلغ ده هزار تومان به وی لطف می‌کند تا در جهرم مدرسه علمیه ساخته شود و این امر نشانه عنایات و الطاف آن زعیم عالیقدر نسبت به جهرم می باشد.

حضرت آیت الله آقا سید فخرالدین دادور آیت اللهی پس از ورود به جهرم در زمینی به مساحت ۱۰۰۰ متر مربع که حاجیه خانم نبوی وقف این کار نیک می‌کند مدرسه علمیه را می‌سازد و معظم له به احترام مجوز و پول تبرک استاد بزرگوارش مرجع والامقام حضرت آیت الله العظمی بروجردی (رضوان الله تعالی علیه) اسم آن مرجع گرانقدر بر

مدرسه علمیه گذاشتند و افتخار بزرگی برای شهر جهرم شد. اتفاقاً زمین هم در کنار مسجد راه چمنی (مسجد حاج شیخ ابراهیم کنونی) قرار داشت. حقیر قبل از عزیمت به حوزه علمیه قم در سال های ۱۳۴۰-۱۳۳۸ هجری شمسی قریب سه سال در آن مدرسه که مزین به نام شریف مرجع تقلید بود در خدمت استاد بزرگوارم حضرت حجت الاسلام والمسلمین مرحوم حاج شیخ عبدالعظیم فرقانی جهرمی (رحمت الله علیه) که مدیر داخلی مدرسه بود، به همراه حجج اسلام آقا سید ابراهیم بحرینی و آقا شیخ بهاءالدین شفیعی و مرحوم میرزا علی محمد نمازی دروس مقدماتی حوزه را تلمذ نمودم.

این مدرسه در سنوات اخیر (۱۴۲۵ هجری قمری مطابق با ۱۳۸۲ هجری شمسی) تجدید بنا و به نام مبارک حضرت ولیعصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نامگذاری شد. البته نام آن حضرت بر هر مکانی که باشد مایه شرف و خیر و سعادت خواهد بود ولی شایسته و بایسته است به منظور قدرشناسی از مرجع عظیم الشان حضرت آیت الله العظمی بروجردی (اعلی الله مقامه الشریف) و عالم بزرگوار آیت الله سید فخرالدین دادور آیت اللهی (رضوان الله تعالی علیه)، نام سابق آن: فخریه بروجردیه نیز بر تابلویی نوشته و بر سر در مدرسه و در نگارش ها و همیشه همراه با نام جدید آن نگاشته شود. و آن نام نیز حفظ و زنده شود و از این طریق همگان به خصوص طلاب جدید، از خدمات مرجع گرانقدر حضرت آیت الله العظمی بروجردی (طاب ثراه) نسبت به جهرم نیز مطلع باشند. و شنیده ام بعد از ساخت نیز حضرت آیت الله العظمی بروجردی (رحمت الله علیه) مقداری هزینه ناودان و ... را عنایت فرموده بودند.

قابل ذکر است که در روز ۲ خرداد ماه سال ۱۳۹۵ مرکز جهرم شناسی که بنده زاده مجیدرضا جهان مهین مدیریت آن مرکز را بر عهده دارد اقدام به برگزاری مراسم بزرگداشت حضرت آیت الله آقا سید فخرالدین دادور آیت اللهی تحت عنوان: نکوداشت فقیهی از بیت شریف آیت الله آیت اللهی: حضرت آیت الله آقا سید فخرالدین دادور آیت اللهی در صحن جدیدالاحداث مسجد مصلی جهرم نمود؛ که استاد عالیقدرم حضرت آیت الله کریمی جهرمی (دامت برکاته) پیامی به این مراسم ارسال کردند که به امر معظم له، حقیر آن را در آن مراسم بسیار با شکوه خواندم. حضرت آیت الله کریمی جهرمی (دامت برکاته) در آن پیام در رابطه با تأسیس مدرسه علمیّه فخریه بروجردیه جهرم فرموده بودند که:

[آیت الله آقا سید فخرالدین دادور آیت اللهی] از این رو، حوزه علمیّه قم، مرکز علم و فضیلت را برای تحصیل علوم الهی برگزید تا در حلقه درس اسطوانه های علمی آن همچون سید الطائفه حضرت آیت الله العظمی بروجردی و صاحب نفس زکیّه حضرت آیت الله العظمی حاج سید محمدتقی خوانساری (قدس الله اسرارهما)، حضور یافت. ایشان [آیت الله آقا سید فخرالدین دادور آیت اللهی] سالها بعد با توشه‌ای از مجالست و مؤانست با عالمان و بزرگان حوزه و تقوا و فضیلت به شهر آباء و اجدادی اش جهرم بازگشت تا منشاء خدمات دینی و اجتماعی ارزنده‌ای گردد. او با فکری باز و اندیشه‌ای بلند و همتی عالی و استعداد ذاتی و تحت تأثیر شخصیت و نگرش‌های زعیم شیعه حضرت آیت الله العظمی بروجردی توفیق یافت تا با ابتکار، دومین مدرسه علمیّه جهرم را

در قطب دیگر شهرستان جهرم تأسیس نماید و بعد از مدرسه علمیّه زمانیه مشهور به مدرسه خان، که سابقه‌ای قریب به چهارصد سال داشت، پایگاهی دیگر برای تدریس و تحصیل و تبلیغ گردد و خود نیز در آنجا به تدریس مشغول شود.

و آن طور که حقیر شنیده ام گویا در مراسم افتتاح نیز خطیب برجسته جهرم حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین مرحوم آقای حاج سید ابوالقاسم مهدوی جهرمی (رحمت‌الله علیه) که متبّحر در سخنرانی بود درباره علم و دانش و فوائد علم و علم آموزی صحبت نمودند و از عنایت مرجع عظیم الشان حضرت آیت الله العظمی بروجردی (اعلی الله مقامه الشریف) نسبت به جهرم و طلاب و روحانیون جهرم و مدرسه علمیّه ای که به نام آن بزرگوار مفتخر بوده‌است و در آن روز افتتاح شده است تشکر و تجلیل و تقدیر و ذکر خیر نموده بودند.

گفتنی است اکنون این مدرسه به عنوان حوزه علوم اسلامی دانشگاهیان و محل تدریس رشته کلام اسلامی شعبه مؤسسه امام جعفر صادق (علیه‌السلام) قم که تحت اشراف استاد بزرگوارم حضرت آیت الله العظمی سبحانی تبریزی (دامت برکاته) می‌باشد. و الحمدلله از روز اول تا کنون طلاب شایسته ای در آن مکان مقدس تربیت شده اند.

عزیمت به قیر و کارزین

در حدود سال ۱۳۳۰ هجری شمسی، عده ای از بزرگان منطقه قیر و کارزین استان فارس که هم مرز شهرستان جهرم و در شمال شرقی شهر ما جهرم هست به خدمت مرجع بزرگ حضرت آیت‌الله العظمی بروجردی (رضوان الله تعالی علیه) می‌رسند و از

ایشان می خواهند که یکی از علماء و روحانیون شایسته را برای هدایت و ارشاد مردم آن منطقه اعزام فرمایند که آن فقیه و مرجع بزرگوار حضرت آیت الله حاج سید محمد کاظم آیت اللهی شیرازی (رحمت الله علیه) را معرفی می فرمایند. آیت الله حاج سید محمد کاظم آیت اللهی شیرازی (طاب ثراه) فرموده بودند: فردای آن روز مرجع عظیم الشان حضرت آیت الله العظمی بروجردی (اعلی الله مقامه الشریف) به من فرمودند: باید برای تبلیغ دین مبین اسلام به منطقه قیر و کارزین هجرت کنید. بنده هم دستور استادم حضرت آیت الله العظمی بروجردی (رضوان الله تعالی علیه) را اطاعت کرده و قبول کردم. مدت حضور آیت الله حاج سید محمد کاظم آیت اللهی شیرازی (رحمت الله علیه) در قیر و کارزین حدود ۲۸ سال طول کشید که معظم له فرموده بودند: در آن زمان که به امر استاد عالیقدرم مرجع عظیم الشان حضرت آیت الله العظمی بروجردی (اعلی الله مقامه الشریف) به منطقه قیر و کارزین آمدم جاده مناسب نبود، وسیله درست نبود، گاهی با ماشین جیب می آمدیم. چادری، پتویی، چیزی روی سرمان می انداختیم که خاک ما را اذیت نکند. گاهی تا به قیر و کارزین می رسیدیم دو روز در راه بودیم. وضع مالی مردم خوب نبود. و ...

حضور آیت الله حاج سید محمد کاظم آیت اللهی شیرازی (رحمت الله علیه) از طرف حضرت آیت الله العظمی بروجردی (اعلی الله مقامه الشریف) آثار فراوانی داشته است. وی در هر منطقه و روستا و آبادی، افراد خوبی را تربیت کرده و به عنوان نماینده خود منصوب نموده بودند. و از جمله افراد مورد اعتماد آیت الله حاج سید محمد کاظم آیت

اللهمی شیرازی (رضوان الله تعالى علیه) در آن زمان صدیق مکرم عبد صالح مرحوم مغفور جناب آقای حاج شیخ علی اکبر انصاری مبارک آبادی (رحمت الله علیه) که معتمد حضرت آیت الله حاج سید ابراهیم حق شناس جهرمی (رضوان الله تعالى علیه) نیز بودند. شایان ذکر است که آیت الله حاج سید محمد کاظم آیت اللهمی شیرازی (رضوان الله تعالى علیه) از جمله شاگردان مرجع عظیم الشان حضرت آیت الله العظمی بروجردی (اعلی الله مقامه الشریف) بوده اند و از جمله یادگارهای آیت الله حاج سید محمد کاظم آیت اللهمی شیرازی (رحمت الله علیه) تقریرات اصول حضرت آیت الله العظمی بروجردی (قدس سره الشریف) بوده است. ایشان از جمله ممتحنین حوزه علمیه بوده اند و مورد اعتماد مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی بروجردی (اعلی الله مقامه الشریف) بوده اند و از جمله افراد مورد وثوق و معرف قبل از صدور اجازات حضرت آیت الله العظمی بروجردی (قدس سره الشریف) بوده اند.

کرامتی از حضرت آیت الله العظمی بروجردی (اعلی الله مقامه الشریف)

حضرت آیت الله مرحوم حاج سید محمد کاظم آیت اللهمی شیرازی (رحمت الله علیه) نقل کرده اند:

کرامه لسیدنا الاستاذ آیت الله العظمی الحاج آقا حسین البروجردی (طاب ثراه)

جناب مستطاب حجت الاسلام آقای آقا شیخ باقر محسنی که از علماء ملایرند در منزل آیت الله العظمی آقای بروجردی (طاب ثراه) در منبر ایام فاطمیه ۱۳۷۹ هجری قمری از مرحوم آیت الله آقای حاج شیخ علی اکبر نهانندی (طاب ثراه) نقل نمودند که این کرامت

را که محصل آن این است که آقای محسنی فرمودند: سال دوم یا سوم ورود مرحوم آیت الله العظمی آقای بروجردی (طاب ثراه) به قم، مشرف شدم به مشهد مقدس و چون به مرحوم آقای نهایندی علاقه داشتم ایشان روزی دعوت فرمودند که خدمتشان مشرف شوم روز موعود این حکایت را فرمودند:

که سال اول ورود آقای بروجردی به قم که مشرف به مشهد مقدس شدند، خواهش نمودم که ایشان تشریف بیاورند مسجد گوهرشاد به جای حقیر نماز [بخوانند]، پس از اصرار زیاد قبول فرمودند و تمام ماه مبارک را مشرف بودیم به حضور جماعت ایشان تا این که روز عید فطر هم با اصرار تشریف آوردند به نماز عید فطر و همان سال حقیر به جهت میل زدن چشمم به تهران آمدم و از آن جا بعد از عمل، مشرف به عتبات عالیات شدم و در موقع ورود به نجف اشرف مرحوم آیت الله اصفهانی آقای آسید ابوالحسن (طاب ثراه) امر فرمودند که حقیر به جای ایشان و در صحن مقدس امیرالمومنین (علیه الصلوة و السلام) اقامه جماعت کنم؛ هر چه انکار کردم اصرار فرمودند تا آن که امتثال کردم. بعد از نماز مغرب شنیدم هاتفی را که گفت: عظمت ولدی فعظمتک: جای تفویض کردی جا به تو تفویض شد. (فله الحمد).

در نظر دارم که سال دوم ورود مرحوم آقای بروجردی به قم بود که مرحوم نهایندی (رحمت الله علیه) از زیارت عتبات عالیات مراجعت به قم نموده بودند و مرحوم سیدنا الاستاد آیت الله حجت (قدس سره) ایشان را به اقامه جماعت در صحن ایوان طلا به جای خودشان وادار کرده بودند و نگاشتن این کرامت بعد از رحلت آن آقایان است. (قدس الله اسرارهم).

و کم لله من لطف خفی یدق خفاه عن فهم زکی
و کم یسر الی من بعد عسر و فرج کربه القلب الشجیه
و کم امر تشاء به صباحا و یأتیک المسره بالعشی
اذا ضاقت بک الاحوال یوماً فثق بالواحد الفرد العلی
توسل بالنبی (ص) فکل خطب یهون اذا توسل بالنبی
و لا تجزع اذا ما ناب خطب فکم لله من لطف خفی

واقعة زلزلة قزوین

همچنین آیت الله مرحوم حاج سید محمد کاظم آیت الله شیرازی (رحمت الله علیه) به نقل از آیت الله زاده معظم حضرت حجت الاسلام والمسلمین مرحوم آقا سید محمد حسن بروجردی (رحمت الله علیه) نقل فرمودند:

شخصی از متدینین و مقدسین، قبل از واقعه زلزله قزوین (بوئین زهرا) در خواب دیده است: مرحوم آیت الله العظمی البروجردی (قدس سرّه) را که بالای سر مقدس حضرت معصومه (علیها السلام) ایستاده اند و دعا می گفتند و عرض می کند: پروردگارا این بلا را مرتفع فرما؛ بعد از یکی دو روز حادثه زلزله واقع می شود حادثه زلزله، لیلۀ ۲۴ یکم ربیع الاول ۱۳۸۲ هجری قمری (۱۳۴۱/۶/۱۰) می باشد.

عزیمت آیت الله حاج سید عبدالعلی آیت اللهی به لار

در روز ۲۶ رمضان المبارک ۱۳۷۴ هجری قمری مصادف با ۱۸ اردیبهشت ماه ۱۳۳۴ هجری شمسی عالم و روحانی والا مقام لارستان حضرت آیت الله مرحوم آقا سید علی

اصغر موسوی لاری (رحمت الله علیه): پسر سوم (پسر آخر) مرجع عظیم الشان حضرت آیت الله العظمی حاج سید عبدالحسین نجفی لاری جهرمی (اعلی الله مقامه الشریف) در سن ۵۲ سالگی به رحمت ایزدی واصل گردید که حقیر زمان فوت و مراسم تشییع جنازه با شکوه و تدفین ایشان در جهرم در مقبره والد معظمشان قبر آقا جهرم را به یاد دارم. پس از ارتحال ایشان و نیاز به حضور روحانی در لارستان، اهالی لارستان با توجه به مقام علمی و سابقه برادرزاده و داماد معظم ایشان، حضرت آیت الله العظمی مرحوم حاج سید عبدالعلی آیت اللهی، فرزند مرجع بزرگوار حضرت آیت الله العظمی مرحوم آقا سید عبدالمحمد موسوی آیت اللهی (رضوان الله تعالی علیه) دست به دامان علماء و مراجع عظام تقلید و اساتید ایشان از جمله عالم بزرگ بیت شریف آیت الله آیت اللهی: حضرت آیت الله مرحوم آقا سید علی اکبر (آقای آقا علی) آیت اللهی جهرمی (رحمت الله علیه) عموی بزرگ حضرت آیت الله آقا سید عبدالعلی موسوی آیت اللهی شده و از محضر استاد ایشان مرجع عظیم الشان حضرت آیت الله العظمی بروجردی (اعلی الله مقامه الشریف) و استاد دیگر ایشان مرجع بزرگوار حضرت آیت الله العظمی حاج سید عبدالهادی شیرازی و ... تقاضا می کند که از آیت الله آقا سید عبدالعلی آیت اللهی بخواهند و حتی امر کنند که رضایت دهد و قبول کند که برای اشاعه دین و ترویج مکتب اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) به لارستان مراجعت کند. حضرت آیت الله آقا سید علی اکبر (آقای آقا علی) آیت اللهی جهرمی (رضوان الله تعالی علیه) نامه ای به ایشان به نجف اشرف می نویسد و برادرزاده عالم خود آقا سید عبدالعلی آیت اللهی را به آمدن به لار ترغیب می کند و فرمان می دهد و حتی در نامه می نگارد که عدم پذیرش به آمدن لار چه بسا

موجب از بین رفتن خدمات و زحمات بسیار ارزشمند ۷۰ - ۶۰ ساله جد و والد و عموی بزرگوارتان [ابوالزوجه تان] شود و مرجع عالی مقام مرحوم آیت الله العظمی بروجردی (رضوان الله تعالی علیه) هم از مرجع وقت بروجرد آیت الله حاج شیخ علی محمد بروجردی (رحمت الله علیه) که با آیت الله آقا سید عبدالعلی آیت اللهی خویشاوندی داشته اند، طی نامه ای می خواهد که با تماس با آقای آیت اللهی ایشان را به بازگشت به لار تشویق و ترغیب کنند مرجع عظیم الشان حضرت آیت الله العظمی بروجردی (اعلی الله مقامه الشریف) اقدام خود را طی نامه ای به مورخ ۱۲ شوال ۱۳۷۴ هجری قمری مطابق با ۱۲ خرداد ماه ۱۳۳۴ هجری شمسی به اطلاع مردم شریف لارستان می رساند که متن نامه بدین شرح می باشد:

معروض می دارد از مصیبت وارده به آقایان اهالی آن حدود، بی اندازه متأثر هستیم و از خداوند تعالی، علو درجات فقید سعید (قدس سره) و اجر و صبر آقایان مخصوصاً بازماندگان آن مرحوم را مسئلت می نمایم.

بر حسب تقاضای آقایان به جناب مستطاب حجت الاسلام آقای حاج شیخ علی محمد بروجردی (دامت برکاته) نوشته ام که جناب مستطاب رکن الاسلام آقای سید عبدالعلی (دامت افاضاته) را به لار اعزام دارند. موفقیت عموم آقایان را مسئلت می نمایم و از همه ملتمس دعا هستیم.

والسلام علیکم و رحمت الله و برکاته. ۱۲ شوال ۱۳۷۴ قمری هجری.

و بالاخره با درخواست مراجع عظام تقلید و علماء اعلام حضرات آیات عظام: حاج سید حسین بروجردی، حاج شیخ علی محمد بروجردی، حاج سید عبدالهادی شیرازی، آقا سیدعلی اکبر (آقای آقا علی) آیت اللهی جهرمی و ... (رضوان الله تعالی علیهم اجمعین) و بالأخص اقدامات مرجع گرانقدر حضرت آیت الله العظمی بروجردی (رحمت الله علیه)، حضرت آیت الله مرحوم حاج سیدعبدالعلی آیت اللهی در شهریورماه ۱۳۳۴ هجری شمسی به لار مراجعت می کند و مشغول فعالیت ها و خدمات مذهبی می شوند تا این که پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی تا چند سال قبل به عنوان امام جمعه لار خدمات بسیار ارزشمندی ارائه می دهند و سالیان سال تا آخر عمر شریفشان در آن خطه خدمت می نمایند.

گفتنی است که بعد از استقرار در لارستان نیز طی اجازه نامه ای به مورخ ۲۴ جمادی الاول ۱۳۷۵ هجری قمری مطابق با ۱۷ دی ماه ۱۳۳۴ هجری شمسی، آیت الله حاج سید عبدالعلی آیت اللهی نماینده استاد خود مرجع عظیم الشان حضرت آیت الله العظمی بروجردی (اعلی الله مقامه الشریف) در امور حسبیه و اخذ و جوه در لارستان می شوند.

قابل ذکر است که در سال ۱۳۳۹ هجری شمسی که زلزله لارستان واقع شدن نیز مرجع عظیم الشان حضرت آیت الله العظمی بروجردی (اعلی الله مقامه الشریف) نماینده مخصوص خود آیت الله منتظری را با کمک های مردمی به لارستان اعزام نمودند که یک شب نیز در جهرم در بیت آیت الله مرحوم آقا سید علی اکبر (آقای آقا علی) آیت اللهی جهرمی (رضوان الله تعالی علیه) بیتوته نمود. و حقیر نیز به عنوان طلبه حوزه علمیه

چهرم در معیت استاد گرانقدر حضرت آیت الله حق شناس جهرمی (رضوان الله تعالی علیه) به لارستان رفتیم.

آیت الله العظمی بروجردی (رضوان الله تعالی علیه) بر من خیلی تاثیر داشت

استاد عالیقدرم در حوزه علمیه قم و در دوره کارشناسی ارشد دانشگاه، حضرت آیت الله العظمی دکتر احمد بهشتی (دامت برکاته) نقل کردند که: سال ۱۳۳۸ هجری شمسی آمدم به قم، در قم نا آشنا بودم. با آیت الله حاج شیخ حسین مظاهری (دامت برکاته) که اکنون در اصفهان هستند مشورت کردم. گفتم: من آمدم قم، می خواهم درس خارج بخوانم. نگفتم می خواهم فلسفه بخوانم، می دانستم برای فراگیری فلسفه باید در درس علامه طباطبایی حضور یابم، ولی در فقه و اصول که مدرسین متعددی داشت باید چه می کردم؟ ایشان گفتند: درس حضرت آیت الله العظمی بروجردی خیلی درس خوبی است و ... ولی به این درس تنها اکتفا نکنید. درس حاج آقا روح الله خمینی، درسی است که برای شما خوب است و حتماً بروید سراغ درس ایشان، من هم قبول کردم و درس فقه و اصول امام راحل می رفتم و صبح ها پس از درس امام خمینی (اعلی الله مقام الشریف) در درس حضرت آیت الله العظمی بروجردی (قدس سره الشریف) شرکت می کردم. محل درس ایشان ابتدا در مسجد بالاسر بود و بعد که مسجد اعظم آماده شد درس به مسجد اعظم برده شد. و حضرت آیت الله العظمی بروجردی (اعلی الله مقامه الشریف) خیلی بر من تاثیر داشت، واقعاً تدریس او نمونه بود، حیف که کم بود و درسش کوتاه بود، شاید ۲۰ یا ۲۵ دقیقه، ولی در همین زمان، کلی مطلب با یک زبان شیرین و ساده ای بیان می کرد.

سال ۱۳۳۸ هجری شمسی که آدمم قم، تمام مزایائی که به لحاظ معیشتی در شیراز داشتم، قطع شد آن زمان مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی بروجردی (اعلی الله مقامه الشریف) به طلبه ای که در مقطع خارج تحصیل می کرد و از عهده امتحان بر آمده بود، در صورت مجرد بودن مبلغ سی تومان و در صورت معیل بودن شصت تومان شهریه می داد.

آیت الله العظمی بروجردی (اعلی الله مقامه الشریف) به خاطر فشار زیادی که در حوزه بود، دستور داده بودند که علامه طباطبایی درس فلسفه (اسفار) را تعطیل کنند. ما از محضر آقایان استفاده کردیم و کم کم در قم، ضمن این که درس خارج فقه و اصول را ادامه می دادیم، تصمیم گرفتیم در حوزه امتحان هم بدهیم. امتحان هم، امتحان آخرین مقطع یعنی خارج بود. ممتحن هم مرحوم آیت الله سلطانی طباطبایی و یک آقای دیگری بودند که الان نمی دانم چه کسی بوده، حتی چهره اش هم یادم نیست. [حقیر احتمال می دهم حضرت آیت الله العظمی حاج شیخ علی صافی گلپایگانی (رضوان الله تعالی علیه) بوده اند] ولی مرحوم آقای طباطبایی که آن وقت معروف به سلطانی بود، یک کفایه خیلی زیبایی در قم می گفت، من هم با این که درس خارج می رفتم بررسی کردم دیدم بهترین درسی که در کفایه هست درس ایشان است، اما ایشان از اول جلد دوم کفایه را می گفت و من فقط اواخر جلد دوم را نخوانده بودم. در عین حال درس ایشان را که ساعت ۱۱ صبح در مسجد امام برگزار می شد رفتم، بعد که رفتیم امتحان بدهیم دیدیم آقا خودشان ممتحن هستند! امتحان هم به صورت شفاهی در مدرسه فیضیه برگزار می شد. موقع امتحان هم سه چیز را امتحان می کردند. کفایه، مکاسب و یک جزوه درس

خارج که طلبه باید ارائه می داد. و من جزوه ای که ارائه دادم مربوط به درس خارج آیت الله العظمی بروجردی بود. آقای سلطانی یک جایی از جلد دوم کفایه را آوردند و یک جایی هم از مکاسب و فرمودند که: برو کتابخانه، نیم ساعت مطالعه کن. رفتیم و نیم ساعت مطالعه کردیم. در این نیم ساعت کفایه و هم مطلب مکاسب را به دست آوردم؛ آمدم خدمتشان، عبارت را خواندم و سؤالات ایشان را هم جواب دادم. امتحان که تمام شد خدمتشان عرض کردم: آقا شما الان دارید جلد دوم کفایه را می گوئید و من هم که شاگرد خودتان هستم و شما آن جایی که آوردید من امتحان بدهم غیر از آن جایی است که دارید درس می دهید و هنوز به این جاها نرسیده اید! چرا این کار را کردید؟ ایشان فرمودند: کسی که درس خارج امتحان می دهد باید جلدین کفایه را تمام کرده باشد، شما تمام نکردید؟ و به این ترتیب ما لو رفتیم! گفتم: آقا من جلدین کفایه را در شیراز خواندم و مقداری از اواخر جلد دوم را نخوانده بودم. قم که آمدم می خواستم این قسمت باقیمانده را بخوانم، دنبال استاد می گشتم، وقتی دیدم شما دارید از اول جلد دوم کفایه را می گوئید حقیقتاً خوشم آمد که بیایم درس شما و آن تتمه را هم وقتی رسیدید بخوانم. و ایشان از این جواب خیلی خوششان آمد و گفتند: به هر حال امتحانت خوب شد و دیگر مشکلی نیست. ما هم خوشحال شدیم و از ماه بعد، اولین شهریه آیت الله العظمی بروجردی را دریافت کردیم که در درس خارج، ۳۰ تومان به افراد مجرد و ۶۰ تومان به افراد معیل بود و ما هم چون هنوز مجرد بودیم ۳۰ تومان را گرفتیم، چون من سال ۱۳۴۰ هجری شمسی ازدواج کردم ...

گفتنی است حضرت آیت الله العظمی دکتر احمد بهشتی (دامت برکاته) چون در این امتحان حوزه با رتبه عالی قبول می شود از طرف مرجع گرانقدر حضرت آیت الله العظمی بروجردی (رضوان الله تعالی علیه) جایزه ای به ایشان داده می شود و اخیراً من از حضرت استاد آیت الله العظمی دکتر بهشتی (مدظله العالی) سوال کردم از آقا جایزه را گرفتید؟ فرمودند: بیت ایشان محبت کردند از طرف آقا دادند. البته از قدیم و زمانی که من طلبه حوزه علمیه قم بودم می شنیدم که استاد بزرگوارم حضرت آیت الله دکتر احمد بهشتی (دامت برکاته) به خاطر قبولی در امتحانات عالی حوزه علمیه از طرف مرجع گرانقدر حضرت آیت الله العظمی بروجردی (اعلی الله مقامه الشریف) جایزه به خاطر قبولی در امتحانات درس خارج دریافت نموده اند.

اشتباه نشود

صدیق مکرم حضرت حجت الاسلام والمسلمین حاج سید محمد مهدی دادور آیت اللهی (دامت توفیقاته)، امام جماعت راتب مسجد مصلی جهرم فرمودند که: شناخت من از مرحوم علامه طباطبایی (رحمت الله علیه)، تقریباً مربوط است به همان سال هایی که ایشان تفسیر المیزان را در مدرسه حجتیه می گفتند، شرکت می کردم و از محضرشان بهره می بردم و وقتی درس اسفار خود را به دستور حضرت آیت الله العظمی بروجردی (قدس سره الشریف) تعطیل نمودند تتمه را بحاله به آیت الله جوادی آملی (دامت برکاته) فرمودند؛ که من خدمت ایشان در مدرسه حجتیه رفتم و جریان را خدمت ایشان عرض نمودم و ایشان پذیرفتند و مدت سه سال در حجره بنده در مدرسه خان می آمدند و تدریس می فرمودند و تعداد شاگردان هم انگشت شمار بودند که اکثر

آن‌ها یا در دانشگاه‌های کشور مشغول تدریس یا بازنشسته شده‌اند. توجه داشته باشیم که اشتباه نشود که مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی (رضوان‌الله تعالی علیه) با فلسفه مخالف نبودند؛ زیرا هیچ عالمی با علم مخالف نیست ولی ایشان معتقد بودند که فلسفه چون یک درس تخصصی است که کارش تشکیک در مسائل و رهیابی به پاسخ است و چون درک آن برای مردم عادی مشکل می‌باشد، نباید در مکان‌های عمومی که محل رفت و آمد مردم عادی است، مثل مدارس و مساجد برگزار گردد و دیگر آن که شاگردان این رشته باید افرادی باشند که توان درک مسائل عقلی و فلسفی را داشته باشند.

اتفاقاً اینجانب شکرالله جهان‌مهین نیز جدا از حوزه در دانشگاه تهران، فلسفه خواندم.

اجازة روائی

شیعیان مؤظفند که طبق آموزه‌های دینی تنها روایاتی را نقل کنند که سند آن صحیح باشد و به معصوم (علیه‌السلام) ختم شود و در تحقق و رعایت این امر سنت حسنه‌ای بین محدثین و علماء اعلام رواج داشته و دارد که معمولاً اساتید به شاگردان و افرادی که در شناخت سند حدیث اطلاعاتی دارند اجازة نقل حدیث و روایت می‌دهند و در اجازاتی که صادر می‌کنند اغلب مشایخ خود را در نقل حدیث یادآوری می‌کنند، به نحوی که سرانجام حدیث به یکی از کتب اربعه حدیثی شیعه یعنی: اصول کافی، من لا یحضره الفقیه، تهذیب و استبصار برسد و از آن جا به امام معصوم (علیه‌السلام) ختم شود و در این رابطه در هر زمانی، اساتید بزرگی هم چون مجلسی‌ها، میرزا حسین نوری‌ها، آقا بزرگ تهرانی‌ها و ... وجود داشته‌اند که به این امر مهم اقدام نموده‌اند.

اما برجسته ترین فرد در میدان دریافت اجازات روائی از اساتید فن و صدور اجازه روائی به افراد شایسته در عصر ما مرحوم حضرت آیت الله العظمی آقا سید شهاب الدین نجفی مرعشی (قدس سرّه الشریف) بود. این عالم متبحر طبق کتاب: المسلسلات فی الاجازات و کتاب: الاجازات الکبیره، قریب ۳۶۵ اجازه از علماء بزرگ شیعه و زیدیه و اهل سنت دریافت نموده و برای بیش از هزار نفر اجازه روائی صادر فرموده است.

و باز از اعظام این دوران که اجازات روائی صادر فرموده فخر دوران شکوه اسلام سید الفقهاء و المجتهدین مرجع فقید حضرت آیت الله العظمی بروجردی (اعلی الله مقامه الشریف) می باشد. و از جمله کسانی که به دریافت اجازه روائی از استاد خود فقیه عالی مقام حضرت آیت الله العظمی بروجردی (رضوان الله تعالی علیه) مفتخر بوده است فقیه و استاد بزرگوار حضرت آیت الله العظمی مرحوم حاج شیخ علی پناه اشتهااردی (رحمت الله علیه) می باشد، که معظم در اجازه نامه روائی که برای حقیر صادر کرده اند مرا به این مهم مفتخر کرده اند و مرقوم داشته اند:

ان یروی عنی کلاستاذ الاکبر الایة البروجردی الذی لم ارمته فیمن شرفنا بحضوره ...

عزیمت به صلاحدید حضرت آیت الله العظمی بروجردی (اعلی الله مقامه الشریف)

در دهه ۱۳۴۰ هجری شمسی که در حوزه علمیه مقدسه قم مشغول تحصیل بودم از جمله شخصیت های غیر استان فارسی که به همراه فضلاء و روحانیون استان فارس نشست و برخاست داشت و ارتباط خوبی داشت و آن زمان که به قم می آمد حیثاً در جلسات آیات، فضلاء و روحانیون و طلاب شرکت می نمودند حضرت آیت الله العظمی حاج سید کرامت الله ملک حسینی (اعلی الله مقامه الشریف) بود. در همان زمان حضرت

آیت الله حاج سید کرامت الله ملک حسینی از شاگردان شناخته شده حضرت آیت الله العظمی بروجردی (اعلی الله مقامه الشریف) می بود.

آیات حاج شیخ محمد مهدی شب زنده دار جهرمی و حاج سید شرف الدین ملک حسینی (دامت برکاتهما) هر دو به تناسب فرمودند: والدینمان (آیات مرحوم حاج شیخ حسین شب زنده دار جهرمی و مرحوم حاج سید کرامت الله ملک حسینی)، در اکثر دروس معمولاً با یکدیگر هم درس بودند و هر دو بزرگوار شاگرد مرجع عظیم الشان حضرت آیت الله العظمی بروجردی بودند. آیت الله ملک حسینی که گویا مبحث حجیت قطع و ایجاب الصلوه حضرت آیت الله العظمی بروجردی (رحمت الله علیه) را یادداشت نموده اند در اواخر عمر آن مرجع عظیم الشان تقریباً در سال ۱۳۳۹ هجری شمسی به صلاحدید حضرت آیت الله العظمی بروجردی (رضوان الله تعالی علیه) به شیراز عزیمت کرد و از آن زمان بدین سو، مدرسه خان (امام قلی خان) شیراز توسط معظم له مدیریت و مرکز مهم ترین حلقات دروس حوزوهای علمیه شیراز بود و در آن مدرسه خان (امام قلی خان) شیراز به تدریس طلاب علوم دینی پرداختند و مسئول حوزه علمیه خان (امام قلی خان) شیراز و حوزه حضرت حجت ابن الحسن العسکری (ارواحنا فداه) بود و منشأ خدمات زیادی در شیراز به خصوص جهت طلاب و روحانیون شدند که اکنون نیز توسط خلف صالحشان در همان جا ادامه دارد. که این ها همه به آینده نگری و ارشاد و صلاحدید مرجع والا مقام بر می گردد.

یک لحظه از تحصیل غفلت نکردم

استاد بزرگوارم حضرت آیت الله مرحوم حاج شیخ حسین شب زنده دار جهرمی (رحمت الله علیه) در مراسم ملبس شدن طلاب جهرمی در غدیریه جهرم فرمودند: مرجع عظیم الشان اسلام حضرت آیت الله العظمی بروجردی (قدس سره الشریف) می فرمودند که: من از وقتی خود را شناختم یک لحظه از علم و از درس خواندن غفلت نکردم. و دیگر این که حضرت استاد مرحوم آیت الله حاج شیخ حسین شب زنده دار جهرمی (رحمت الله علیه) فرمودند: من خودم از زبان مبارک آیت الله العظمی بروجردی (رضوان الله تعالی علیه) شنیدم که: آن قدر شبها شده که من در بروجرد نشسته‌ام برای مطالعه دیگر نفهمیدم کی هست؟ تا آن که از بالای مناره مسجد صدای اذان صبح بلند شده، همین‌طور مشغول مطالعه بوده‌ام.

دیگر شاگرد حضرت آیت الله العظمی بروجردی (رضوان الله تعالی علیه) عالم بزرگوار جهرم حضرت آیت الله مرحوم حاج سید عبدالرسول شریعتمداری جهرمی (رحمت الله علیه) از استاد بزرگ خود حضرت آیت الله العظمی بروجردی (اعلی الله مقامه الشریف) فرمودند: از وقتی که خود را شناختم لحظه‌ای از درس و تحصیل و مطالعه غفلت نکردم.

سخنران ویژه از سوی حضرت آیت الله العظمی بروجردی (رضوان الله تعالی علیه)

استاد عالیقدرم حضرت آیت الله مرحوم حاج سید محمد حسین حسینی ارسنجانی (رحمت الله علیه) از شاگردان حضرت آیت الله العظمی بروجردی (اعلی الله مقامه الشریف)، در زمان حیات آن مرجع گرانقدر در ایام میلاد پر برکت حضرت ولیعصر (عجل

الله تعالی فرجه الشریف) جشن مفصلی در فسا برپا کردند و از علماء شهرهای شرق استان فارس برای شرکت در جشن نیز دعوت به عمل آوردند؛ که از جهرم حضرت آیت الله حاج سید ابراهیم حق شناس جهرمی (قدس سره الشریف) طبق دعوت خصوصی در حالی که برخی از روحانیون جهرم نیز در معیتشان بودند، برای شرکت در جشن به فسا مسافرت نمودند و خطیب شهیر و توانا حضرت حجت الاسلام والمسلمین مرحوم حاج شیخ علی اکبر تربتی (رحمت الله علیه) که از سخنوران برجسته و مورد توجه مرجع عظیم الشان حضرت آیت الله العظمی بروجردی (قدس سره الشریف) بود به عنوان سخنران ویژه از سوی آن مرجع عظیم الشان حضرت آیت الله العظمی بروجردی (قدس سره الشریف) در آن جشن شرکت و سخنرانی نموده‌اند.

استاد بزرگوارم حضرت آیت الله مرحوم حاج شیخ حسین شب زنده‌دار جهرمی (رضوان الله علیه) فرمودند: خطیب شهیر حجت الاسلام مرحوم آقای تربتی (علیه الرحمه) در آن سفر شیفته اخلاقیات مرحوم آیت الله حق شناس جهرمی (رضوان الله تعالی علیه) شده بود. همان‌طور که مرحوم آیت الله حق شناس جهرمی (رحمت الله علیه) تحت تأثیر سخنان ایشان قرار گرفته بود. به طوری که آیت الله حق شناس جهرمی در جلسات گاهی با صدای بلند گریه کرده بودند. و به همین مناسبت در یک سفری که آیت الله حق شناس جهرمی به قم مشرف شدند و برای نهار خدمتشان بودم از مرحوم آقای تربتی هم دعوت کردم. و با خرسندی پذیرفتند و تشریف آوردند و آن وقت در منزل استیجاری که در کوچه معروف به کوچه حاج نمازی قم بودیم.

و استاد گران مایه‌ام حضرت آیت الله کریمی جهرمی (دامت برکاته) نیز فرمودند: حجت الاسلام والمسلمین تربتی که از طرف حضرت آیت الله العظمی بروجردی (اعلی الله مقامه الشریف) برای شرکت در جشن میلاد حضرت ولیعصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به فسا رفته بودند در بازگشت در شیراز در مسجد مولی شیراز بعد از نماز جماعت مغرب و عشاء حضرت آیت الله العظمی مرحوم حاج شیخ بهاء‌الدین محلاتی (قدس سرّه الشریف) منبر رفت و بنده که در شیراز تازه طلبه بودم در جلسه حضور داشتم.

شایان ذکر است که با توجه به اینکه شهر فسا به نام شهر امام علی (علیه السلام) نام‌گذاری شده است سالیان سال است که برنامه جشن میلاد مولی الموحدین حضرت علی بن ابی طالب (علیه السلام) و عید سعید غدیر خم به صورت با شکوه برگزار می‌شود. و هیئت مذهبی شهرهای شرق استان فارس در خدمت بعضی از علماءشان به دعوت استاد بزرگوارم حضرت آیت الله حاج سید محمد حسین حسینی ارسنجانی (رحمت الله علیه) امام جمعه فقید فسا در آن شرکت می نمودند. و در این سنوات اخیر نیز از جهرم هیئت مذهبی به سرپرستی استاد بزرگوارم حضرت آیت الله مرحوم حاج سید محمدعلی آستانه داماد محترم آیت الله حاج سید ابراهیم حق‌شناس جهرمی (رضوان الله تعالی علیهما) در جلسه جشن شرکت و سخنرانی می‌فرمود، که بعضاً بنده زاده نیز از طرف حقیر در آن جلسات شرکت می نمود.

گفتنی است که شنیده‌ام استاد بزرگوارم مرحوم آیت الله حسینی ارسنجانی (رحمت‌الله علیه) به درخواست مردم متدین فسا و حسب‌الامر آیت الله العظمی بروجردی (قدس سرّه

الشّریف) در سال ۱۳۳۶ هجری شمسی به شهر فسا می‌آید و در آنجا رحل اقامت می‌افکند و منشاء خدمات فراوان شده اند. اضافه می‌شود که برگزاری جلسه جشن تا کنون همه ساله برپا می‌گردد.

قابل ذکر است که در زمان تحصیل در حوزه علمیّه قم می‌شنیدیم که از جمله کسانی که از طرف مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی بروجردی (اعلی الله مقامه الشّریف) به شهرها جهت سخنرانی تبلیغ دین مبین اسلام می‌رفته اند عالم و سخنران متبّحر حضرت حجت الاسلام والمسلمین مرحوم حاج شیخ مرتضی انصاری (رحمت الله علیه) بوده که ما از منابر ایشان و سبک منبر ایشان استفاده‌ها نمودیم که از جمله سخنرانان مراسم فیضیه نیز این بزرگوار بود. که دوستی و رفاقت و ارادت صمیمانه حضرت حجت الاسلام والمسلمین مرحوم حاج انصاری (رحمت الله علیه) و جزء اصحاب خاص مرجع عظیم الشان حضرت آیت الله العظمی بروجردی (اعلی الله مقامه الشّریف) شدن، خود داستان اخلاقی درس آموزی دارد که از جمله ناقلان آن نوه معظم ایشان استاد بزرگوار حضرت آیت الله حاج سیّد محمد جواد علوی بروجردی که به حقیر نیز محبت و عنایت دارند و اجازه نامه نیز برای بنده صادر نموده اند و همچنین استاد گرانقدرم حضرت آیت الله کریمی جهرمی و صدیق مکرم و نویسنده توانا حضرت حجت الاسلام والمسلمین دکتر حاج شیخ ناصرالدین انصاری (دامت برکاتهم) می‌باشد.

بحار الأنوار

حجت الاسلام والمسلمین مرحوم آقا سیّد ابوالقاسم شفیعی لاری (رحمت الله علیه) داماد حضرت آیت الله مرحوم آقا سیّد علی اکبر (آقای آقا علی) آیت اللهی جهرمی (رضوان الله

تعالی علیه) از طلاب دوره سطح حوزه علمیه قم بوده که برای ورود به دروس خارج در امتحاناتی که از طرف زعیم بزرگ مسلمین حضرت آیت الله العظمی بروجردی (اعلی الله مقامه الشریف) برگزار می شود شرکت می کند و امتحان می دهد به طوری که نظر امتحان کنندگان را به خود جلب می کند و موجب می گردد که مرحوم آیت الله العظمی حاج آقا علی صافی گلپایگانی (رضوان الله تعالی علیه) که به آقای شفیع علاقه داشته اند مطلب را به عرض مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی بروجردی (قدس سره الشریف) گزارش می دهد. و در نتیجه، آن مرحوم مورد توجه و عنایت آن فقیه عالیقدر قرار می گیرد و حضرت آیت الله العظمی بروجردی (اعلی الله مقامه الشریف) بذل لطف کرده و یک دوره کتاب شریف بحار الأنوار به ایشان جایزه می دهند و این کتب در کتابخانه شخصی آن مرحوم دیده ام و فعلاً در کتابخانه حسینیه ای که به نام آن مرحوم ساخته شده است، می باشد.

سکینه بنت العلی (سلام الله علیهما)

صدیق مکرم حضرت حجت الاسلام والمسلمین آقای سید محمد رضا واحدی (دام عزه) به نقل والد مکرمشان استاد بزرگوارم حضرت آیت الله حاج سید احمد واحدی جهرمی (دامت برکاته) و به نقل قول دیگر استاد بزرگوارم حضرت آیت الله حضرت حاج شیخ حسین شب زنده دار جهرمی (رحمت الله علیه) که هر دو از شاگردان مرجع عظیم الشان حضرت آیت الله العظمی بروجردی (رضوان الله تعالی علیه) بوده اند نقل فرمودند: در سال ۱۳۳۸ هجری شمسی و در عصر مرجعیت عامه حضرت آیت الله العظمی بروجردی (قدس

سرّ الشّریف) در مجلسی که به مناسبت ایام فاطمیه در منزل معظم له برگزار شده بود، مرحوم آیت‌الله میرزا ابوالفضل زاهدی قمی (رحمت الله علیه) که از مجتهدین به نام و مفسرین صاحب نظر بود و یدِ طولانی در تحقیقِ متون روایی و تاریخی داشت، در حضور مرجع بزرگ حضرت آیت الله العظمی بروجردی (رضوان الله تعالی علیه) و تعداد زیادی از شخصیت‌های علمی و دینی بر فراز منبر چنین فرمود: ما، در تحقیقات خویش به وجود دختری دیگر برای حضرت امیرالمؤمنین و حضرت فاطمه زهرا (علیهما السّلام) به نام سکینه برخورد کرده‌ایم و ... آنگاه با بیان سخنان امیرمؤمنان (علیه السّلام) بر جنازه زهراى اطهر (علیها السّلام) ادامه داد: به شهادت تاریخ، امیرمؤمنان (علیه السّلام)، نه قبل از ازدواج با فاطمه و نه در زمان حیات آن حضرت، ازدواج دیگری نداشته است. بنابراین فرزندانى که در هنگام تکفین حضرت زهرا (علیها السّلام) مورد خطاب پدر قرار گرفته و بر جنازه مادر حضور یافته‌اند، فرزندان مشترک آن دو بزرگوار و حضرت سکینه (سلام الله علیهم) نیز از جمله آنان است. اهمیت بیان مرحوم آیت الله زاهدی قمی (رحمت الله علیه)، وقتی بیش از پیش روشن می‌شود که به وضع مجلس و حاضران، دقت بیشتری بشود. چه آنکه این سخنان بر فراز منبر و در حضور تعداد زیادی از شخصیت‌های علمی، تاریخی و روائی و از همه مهمتر در محضر مرجع عظیم الشان حضرت آیت الله العظمی بروجردی (اعلی الله مقامه الشّریف) گفته می‌شود، و این موضوع مورد اتفاق همه علماء و فقهاست که مرحوم آیت الله العظمی بروجردی (رضوان الله تعالی علیه) علاوه بر مکانت عالی در فقه و اصول، در علم رجال و شناخت اسانید روایات نیز تبخّر و تسلط فراوانی

داشته‌اند و از شخصیتی مثل آیت‌الله زاهدی سخنی بدون تحقیق یا حتی از روی احتمال در چنین محضری امکان ندارد.

شایان ذکر است حضرت آیت‌الله واحدی جهرمی (دامت برکاته) و مرحوم آیت‌الله شب زنده دار جهرمی (رحمت الله علیه)، هر دو استاد بزرگوارم در جلسه و بیت مرجع عظیم الشان که با حضور استاد گرانقدرشان حضرت آیت الله العظمی بروجردی (طاب ثراه) بر قرار بوده، حضور داشته‌اند و داستان را نقل کرده‌اند.

تأسی از حضرت آیت الله العظمی بروجردی (طاب ثراه)

دومین فرزندم مهندس عبدالحسین (روح الله) جهان مهین در کودکی چشم درد شدید داشت و دوا و درمان درد را نمی‌گاست فرزندم بسیار بی‌تابی می‌کرد، تا این در ماه محرم در دسته‌های عزاداری حضرت اباعبدالله الحسین (علیه السلام) مشغول سینه زنی و عزاداری بودم که عزاداران با سرهای گل‌مالی شده از جلوم حرکت کردند یک آن به یاد جریان شفای چشم مرجع والامقام حضرت آیت‌الله العظمی بروجردی (رضوان الله تعالی علیه) به برکت خاک و گلِ عزاداران حسینی افتادم؛ مقداری از خاک برداشتم و به چشم فرزندم عبدالحسین (روح الله) جهان مهین به نیت شفا کشیدم و الحمدلله چشم درد به کلی برطرف شد و اکنون من و دو برادر دیگرش از عینک استفاده می‌کنیم و خوشبختانه به برکت و الطاف امام حسین (علیه السلام) تا کنون او نیاز به عینک پیدا نکرده است و در سال ۱۳۸۰ هجری شمسی حقیر که به عنوان نماینده مرجع گرانقدر حضرت آیت‌الله العظمی حاج شیخ لطف الله صافی گلپایگانی (مدظله العالی) در امور حسبیه و اخذ

وجوهات در جهرم می باشم این جریان را به سمع فقیه و مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی حاج شیخ لطف الله صافی گلپایگانی (دامت برکاته) که با دو فرزندم عبدالحسین (روح الله) و مجیدرضا در بیت شریفشان به صورت خصوصی در خدمتشان بودیم رساندم که ایشان نیز جریان دقیق گل مالی و شفاء مرجع بزرگ حضرت آیت الله العظمی بروجردی (رضوان الله تعالی علیه) و مطالب دیگری را بیان نمودند که حقیر استدعا کردم و آن مرجع گرانقدر مطالبی یادداشت کردند و آن مطالب چنین بود:

بسمه تعالی

به عنوان «عِنْدَ ذِكْرِ الصَّالِحِينَ تَنْزِلُ الرَّحْمَةُ» و ذکر خیر مرحوم استاد اعظم حضرت آیت الله العظمی بروجردی (اعلی الله درجته) در خدمت جناب مستطاب ثقت الاسلام آقای جهان مهین و بعضی دیگر بود و از توجه ایشان به آخرت و حالات شریفه ایشان سخن بود، از جمله این حدیث را ظاهراً مکرر از آن بزرگوار شنیدم که می فرمود: «رُبَّ نَفْسٍ كَاسِبَةٌ فِي الدُّنْيَا عَارِيَةً فِي الْآخِرَةِ وَ رَبِّ نَفْسٍ عَارِيَةٌ فِي الدُّنْيَا كَاسِبَةٌ فِي الْآخِرَةِ» الحق که معاد و حساب و سوال و حشر و نشر و به مقام حقیقت یقین نائل بود. رفع الله مقامه و غفرالله لنا بحق محمد و آله الطاهرين صلوات الله عليهم اجمعين. ۲۶ / ج ۲ / ۱۴۳۳. و انا العبد المذنب المحتاج إلى رحمة الله. لطف الله صافی.

بیماری آیت الله العظمی بروجردی و تلگراف آیت الله حق شناس جهرمی (رضوان
الله تعالی علیهما)

وقتی حضرت آیت الله العظمی بروجردی (قدس سرّه الشّریف) کسالت پیدا کردند که
منجر به ارتحال ملکوتی ایشان شد؛ حضرت آیت الله حاج سید ابراهیم حق شناس جهرمی
(رضوان الله تعالی علیه) به وسیله تلگراف از آن مرجع بزرگ احوالپرسی کردند که در
جواب، تلگرافی به متن زیر به جهرم مخابره شد:

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب مستطاب ثقت الاسلام آقای آقا سید ابراهیم حق شناس (دامت اضافاته) تلگراف
واصل، حال حقیر به حمد الله بهتر است. سلام حقیر را به عموم آقایان اهالی محترم ابلاغ
نمائید. ۱۳۴۰/۱/۹

انفاقاً جواب یک روز قبل از ارتحال آن مرجع به دست حضرت آیت الله حاج سید ابراهیم
حق شناس جهرمی (رضوان الله تعالی علیه) رسید و بعد آیت الله حاج سید ابراهیم
حق شناس جهرمی (رحمت الله علیه) در حاشیه آن تلگراف نوشته اند:

این تلگراف شریف از طرف ذیشرف علامه فقید آیت الله العظمی فی الارضین جناب آقای
حاج آقا حسین بروجردی (قدس الله روحه الشّریف) در جواب تلگراف حقیر که برای
استفسار از حال مبارک آن نائب الامام، مخابره کرده بودم روز ۱۲ شوال ۱۳۸۰ مطابق با
۹ فروردین ۱۳۴۰ وصول ارزانی داشته است و با کمال تأسف و تأثر یادآور می شود که

صبح روز ۱۳ شوال ۱۳۸۰ مطابق با دهم فروردین ۱۳۴۰ هجری شمسی رادیو کشور خبر وحشت اثر رحلت آن وجود مقدس را پخش کرد و معلوم شد که مسلمین یتیم شده‌اند و خاک عزا بر سر آنها ریخته شده‌است و حق این است که این فاجعه عظیمه و مصیبت کبری دنیا را به لرزش درآورد و اشک حسرت از چشم دوست و دشمن گرفت و چون این تلگراف آخرین بذل موهبتی است که آن نائب الامام علی التحقیق درباره این حقیر خدمتگزار ارسال کرده‌اند دوست می‌دارم که برای افتخار همیشگی فامیل در خانه محفوظ باشد و فرزندان او را نگاه داری نمایند. العبد المذنب الاثیم سید ابراهیم الشّهریر بحق شناس.

گفتنی است این پیام به دستور حضرت آیت‌الله حق‌شناس جهرمی (رحمت‌الله علیه) در روز ارتحال آن مرجع والا مقام در میان انبوه مردم عزادار جهرم قرأت گردید و به خصوص وقتی جمله تلگراف حضرت آیت‌الله العظمی بروجردی (رضوان الله تعالی علیه) قرائت شد که: سلام حقیر را به عموم آقایان اهالی محترم ابلاغ فرمائید: صدای گریه و فغان همه عزاداران بلند شد. و

ارتحال ملکوتی حضرت آیت الله العظمی بروجردی (اعلی الله مقامه الشریف) و انعکاس آن در جهرم

صبح روز دهم فروردین ماه ۱۳۴۰ هجری شمسی مطابق با سیزدهم شوال المکرم ۱۳۸۰ هجری قمری که خبر ارتحال زعیم عالیقدر جهان تشیع حضرت آیت‌الله العظمی بروجردی (قدس سره الشریف) از رادیو ایران پخش شد همگان را غم زده کرد و چشمان

را گریان نمود و در این راستا چون استاد عزیزم حضرت آیت‌الله مرحوم حاج شیخ حسین شب زنده‌دار جهرمی (رضوان الله تعالی علیه) که از شاگردان به نام آن فقیه عالیقدر بودند در خیابان منوچهری (جمهوری اسلامی کنونی) جهرم این خبر تأثرآور را می‌شنوند در همانجا شدیداً چندین بار بر سر و صورت خود زده بودند که مؤمنین حاضر دست ایشان را گرفته بودند و بعد حضرت آیت‌الله مرحوم حاج شیخ حسین شب زنده‌دار جهرمی راهی بیت حضرت آیت‌الله حق‌شناس جهرمی (رضوان الله تعالی علیهما) شده بود و به دنبال و همراه ایشان نفرات زیادی از ارادتمندان به راه می‌افتند و علماء شهر و مردم مؤمن نیز که از این ارتحال باخبر شده بودند یکی پس از دیگری با اندوه فراوان وارد بیت آیت‌الله حق‌شناس جهرمی می‌شدند. و حقیر که در آن زمان طلبه حوزة علمیه زمانیه (خان) جهرم که تولیت و مدیریت آن را حضرت آیت الله حاج سید ابراهیم حق‌شناس جهرمی به امر مرجع عظیم الشان حضرت آیت الله العظمی بروجردی (اعلی الله مقامه الشریف) بر عهده داشتند؛ بودم و هنوز طلبه حوزة علمیه مقدسه قم نشده بودم و چند ماه بعد در شهریور ماه ساکن قم شدم. به هر حال آن زمان اینجانب نیز با دوستان در همان لحظات به آنجا رفتیم و حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین مرحوم آقای سید عبدالله مرتضوی جهرمی (رحمت‌الله علیه) که اهل منبر بود و مرثیه‌های جانسوز می‌خواند به دستور حضرت آیت‌الله حاج سید ابراهیم حق‌شناس جهرمی (رحمت‌الله علیه) مرثیه جانسوز وداع امام حسین (علیه السلام) خواندند و همه حاضران را متأثر کرد به طوری که همگان به گریه افتادند و صدای گریه بلند حضرت آیت‌الله حق‌شناس جهرمی تنها نماینده منحصر ایشان در جهرم و حومه و صدای گریه حضرت آیت‌الله حاج شیخ حسین شب زنده دار

جهرمی در فضای اتاق طنین انداز شد. به هر حال آن جا غوغائی بود و بیت و منزل آیت‌الله حق‌شناس جهرمی به یک عزاخانه تبدیل گشت و با توجه به این که بیت آیت‌الله حق‌شناس جهرمی و کوچه و محوطهٔ مسجد نو پر از جمعیت عزادار بود و هر لحظه بر جمعیت افزایش می‌یافت، پیشنهاد داده شد که به مدرسهٔ علمیهٔ خان که در نزدیکی بیت آیت‌الله حق‌شناس جهرمی بود برویم و در آن جا بنشینیم و به عزاداری و ... پردازیم و یا در مسجد نو و به خصوص نظرها به مسجد (جمعه) جامع بود ولی عالم بزرگ حضرت آیت‌الله حق‌شناس جهرمی فرمودند که: استدعا می‌کنم اجازه بدهید و مناسب است که الآن برای عرض تسلیت به خدمت حضرت آیت‌الله آقا سید علی اکبر (آقای آقا علی) آیت‌اللهی جهرمی فرزند مرجع عالیقدر حضرت آیت‌الله حاج سید عبدالحسین نجفی لاری جهرمی (رحمت‌الله علیهما) برویم که موافقت شد و علماء و همگان به پا خاستند و با مؤمنین عزاداری که برای تسلیت به بیت آیت‌الله حق‌شناس آمده بودند از بیت آقا خارج شدند و افراد که در محوطهٔ مسجد نو که در نزدیکی منزل آقا قرار داشت و تجمع نموده بودند به همراه علماء در حال عزاداری و سینه زنی به قصد بیت حضرت آیت‌الله آقا سید علی اکبر (آقای آقا علی) آیت‌اللهی جهرمی (رضوان الله تعالی علیه) و مقبرهٔ قبر آقا جهرم به راه افتادند و آیت‌الله حق‌شناس جهرمی امر به تعطیلی بازار و مغازه‌ها و برافراشتن پرچم سیاه بر سر درب مساجد و ... دادند مردم عزادار به صورت دسته‌های سینه زنی که هر دم بر جمعیتشان افزوده می‌شد؛ و کثرت جمعیت به حدی بود که نظیر آن را در جهرم ندیده بودیم و در این بین بود که تلگرافی از مرجع بزرگ حضرت آیت‌الله العظمی بروجردی (قدس سرّه الشریف) مبنی بر بهبود

حالشآن که یک روز قبل از فوت در جواب تلگراف حضرت آیت‌الله حق‌شناس جهرمی که از حال ایشان پرسیده بودند به دست آیت‌الله حق‌شناس جهرمی رسیده بود و آیت‌الله حق‌شناس جهرمی امر به قرأت آن برای مردم عزادار کردند که در این جا بود که با قرأت تلگراف به خصوص جمله های پایانی تلگراف، عزاداری اوج گرفت و گریه‌ها شدت یافت و اشک‌ها ریزان تر شد و ضجه‌ها و زاری‌ها به اوج رسید و با این حال به طرف بیت حضرت آیت‌الله سید علی اکبر (آقای آقا علی) آیت‌اللهی جهرمی و مقبره آقا: مرقد مطهر حضرت آیت‌الله العظمی حاج سید عبدالحسین نجفی لاری جهرمی (رحمت‌الله علیه) رهسپار شدیم از آن طرف اهالی محل‌های بالا یعنی کوشک، مصلی، علی پهلوان و جبذر که از وفات مرجع بزرگ حضرت آیت‌الله العظمی بروجردی (قدس سره الشریف) مطلع شده بودند به بیت حضرت آیت‌الله آقا سید علی اکبر (آقای آقا علی) آیت‌اللهی آمده بودند و در معیت ایشان راهی مقبره آقا شده، که جمعیت انبوه همراه آیت‌الله حق‌شناس جهرمی و علماء و مردم محلات به آنان پیوستند و جمعاً به عزاداری کم سابقه‌ای پرداختند و تا ظهر ادامه یافت و آنگاه هر گروه به محلات خود برگشتند و عصر آن روز در مسجد (جمعه) جامع جهرم مجلس ترحیم و عزا برگزار شد و سپس تا یک هفته صبح‌ها و عصرها در مساجد دیگر جهرم مجلس ترحیم و عزاداری بر پا شد و خطبا و به خصوص استاد بزرگوارم حضرت آیت‌الله حاج شیخ حسین شب زنده‌دار جهرمی که از تربیت یافتگان و شاگردان به نام حضرت آیت‌الله العظمی بروجردی (اعلی‌الله مقامه الشریف) بود درباره شخصیت پر عظمت و کم نظیر آن زعیم و مرجع فقید بیش از چهارده سخنرانی کردند و همچنین منبری‌ها و خطباء دیگر جهرم حضرات آیات: حاج سید محمدرضا

اصفهانی، حاج سید حسن نائینی، حاج سید حسین آیت اللهی (امام جمعه فقید جهرم)، حاج سید محمدعلی آستانه و ...، پیرامون شخصیت والامقام مرجع عظیم الشان حضرت آیت الله العظمی بروجردی (رضوان الله تعالی علیه) را امر تقلید و مرجعیت بعد از حضرت آیت الله العظمی بروجردی (قدس سره الشریف) سخنرانی داشتند و مردم را ارشاد و آگاه نمودند.

در رثای آیت الله العظمی بروجردی (رضوان الله تعالی علیه)

شادروان دکتر علی محمد حق شناس، استاد فقید دانشگاه تهران و از برجسته ترین زبان شناسان، شاعران، مترجمان، نویسندگان و منتقدان ادبی عصر ما که چندین سال قبل در تهران به رحمت ایزدی پیوست و عموی گرانقدر خود حضرت آیت الله حاج سید ابراهیم حق شناس جهرمی (رضوان الله تعالی علیه) را مؤثر ترین شخص در تکوین شخصیت خویش می دانست و همه سمت و سو های زندگی خود را از برکت و راهنمایی های عموی خود آیت الله حق شناس جهرمی می دانست و از نوجوانی همچون عموی خود آیت الله حق شناس جهرمی شعر می سرود و در اشعارش تخلصش حق شناس و آزاد بود که باز مشوق و هم مشاعره خود را عموی عالم و شاعرش آیت الله حق شناس جهرمی می دانست، در زمان ارتحال آیت الله العظمی بروجردی (رضوان الله تعالی علیه) که در آن زمان دانشجوی ۲۱ ساله دانشسرای عالی تهران بودند، به مناسبت سومین روز ارتحال و در رثای زعیم عالیقدر جهان تشیع حضرت آیت الله العظمی بروجردی (قدس سره الشریف) شعر زیر را سروده است. وی افتخار داشت که در معیت عمومی بزرگوارش

حضرت آیت الله مرحوم حاج سید ابراهیم حق شناس جهرمی (رحمت الله علیه) به سال
۱۳۳۷ هجری شمسی در قم به محضر مرجع عظیم الشان حضرت آیت الله العظمی
بروجردی (اعلی الله مقام الشریف) رسیده است. و آن قطعه شعر:

کشور اسلام! کو آن پاسدار خانه تو؟

ای دیار قم! کجا شد گوهر رخشنده تو

ای جهان! شوق گریان بینمت؛ کو خنده تو

تو حریم مهری و ظلمت نشد زببنده تو

کو فروزان اختر سعد و مه تابنده تو

وه که گردون چهره تاریک وحشتناک دارد

آفتاب عشق گوئی سر بزیر خاک دارد!

باغبان رفت و گل اسلام را افسرده بینم

در بهاران، گل خزان و باغبان را مرده بینم

سنبل آشفته، سمن غمگین، چمن پژمرده بینم

مرغ حق خاموش و مرغان دگر آزرده بینم

فروردین علم را دیدم به چشم خود، خزان شد

سوی بستان، یاد برگ افشانِ پائیزی وزان شد

کشور اسلام، کو آن پاسدار خانه تو؟

آخر ای تاج شرف کو گوهر یک دانه تو؟

ای طریق راستی کو رهبر فرزانه تو؟

راستی ای شمع یزدانی، چه شد پروانه تو؟

رهبر آزادگان «آزاد» مهمان خدا شد

حق شناس! آن روح رحمانی دگر از تن جدا شد

خاک را ای مرد یزدانی چرا مأوی نمودی

ما چه بد کریم، کی پاکیزه، ترک ما نمودی

زندگی در مرگ دیدی، پشت بر دنیا نمودی

شادمان باشی که راه زندگی پیدا نمودی

روح تو بهتر که هم سامان کوی یار باشد

روح بی آزار جز در کوی جانان زار باشد

بر بروجرد ای، صبا اگر بگذری فریاد سر کن

ز آنچه در قم رفت؛ آن افسرده حالان را خبر کن

خاک آنجا را به یاد او، ز اشک دیده تر کن

سینه آن خاک را از آتش غم، پر شرر کن

نعره زن کای خاک گوهر خیز، کو آن گوهر تو؟

آیت الله تو کو؟ ای خاک محنت بر سر تو!

شایان ذکر است که اصل این قطعه شعر که توسط حضرت آیت الله حق شناس جهرمی تصحیح شده نزد حقیر موجود می باشد و به نظرم به احتمال زیاد در همان زمان به صورت نوحه درآمد و در محافل و مجالس به صورت سینه زنی خوانده شد.

تسلیت

با توجه به جایگاه حضرت آیت الله حق شناس جهرمی به عنوان نماینده منحصر حضرت آیت الله العظمی بروجردی (رضوان الله تعالی علیه) در جهرم و حومه، علماء و روحانیون و ارادتمندان و ... هرکدام به طریقی به حضرت آیت الله حق شناس جهرمی عرض تسلیت ارتحال مرجع بزرگ حضرت آیت الله العظمی بروجردی (رحمت الله علیه) می گفتند و حضرت آیت الله حق شناس جهرمی نیز جواب نامه ها و تلگراف ها را به نحوی زیبا می دادند در این میان جواب پیام تسلیتی که به شاگرد خود حضرت آیت الله کریمی جهرمی (دامت برکاته) و جواب پیام تسلیتی که به یکی دیگر از روحانیون بزرگوار داده اند و در اختیار است، آورده می شود که نهایت احترام آیت الله حق شناس جهرمی مشاهده می شود:

جواب پیام تسلیت آیت الله حق شناس جهرمی (رضوان الله تعالی علیه) به
حضرت آیت الله کریمی جهرمی (دامت برکاته)

بسمه تعالی

۴ ذق ۱۳۸۰ / ۳۱ فروردین ۱۳۴۰

ضمن تقدیم سلام و ارادت، خاطر شریف را زحمت افزا می شود:

مرقوم محترم که بر اثر فاجعه عظیمه رحلت پیشوای عظیم الشان عالم تشیع علامه فقید
حضرت آیت الله العظمی آقای بروجردی (قدس سره الشریف) مبنی بر تعزیت و تسلیت
فرستاده بودید، عزّ وصول بخشید و موجب تسلی گردید. و اینک متقابلاً این مصیبت
بزرگ را که جهانی عزادار و سیه پوش نمود به آن جناب تسلیت عرض کرده دوام
تأییدات و توفیقات را برای آن دانشمند و مبلغ با حقیقت مسئلت می نمایم و ملتمس
دعای خیر هستم. و السلام علیکم و رحمت الله و برکاته. سید ابراهیم حق شناس.

جواب پیام تسلیت آیت الله حق شناس جهرمی (رحمت الله علیه) به یکی دیگر
از روحانیون بزرگوار

بسمه تعالی

۲۶ شوال ۱۳۸۰

۱۳۴۰/۱/۲۳

با تقدیم تحیات و تسلیمات شایسته، خاطر محترم عالی را تصدیع می دهد. مرقوم مبارک
که از کمال تأثرو اندوه و دلشکستگی آن جناب برای فاجعه عظیمه رحلت پیشوای عظیم

الشأن عالم اسلام و تشييع علامه فقيد حضرت آيت الله العظمى آقاي بروجردى (قدس الله روحه الشريف) حكايت ميكرد، عزّ وصول ارزاني داشت با منتهاي تأسف اين مصيبت جانگداز را به آن روحاني مهذبّ تسليت عرض ميكنم. فيالله و لهذه الداهيه الكبرى التي عمّت البلاد و احقرت قلوب العباد ابكت و الله العيون و اورثت الاحزان و الشجون.

گفتني است حضرت آيت الله حاج سيّد ابراهيم حق شناس جهرمي (رضوان الله تعالى عليه) نيز اين مصيبت عظمي را به بيت شريف، آيت الله العظمي زادگان معظم آيت الله العظمي بروجردي (اعلى الله مقامه الشريف) و علماء اعلام و ... كتباً تسليت گفتند.

ناهنگام رفت

دبير محترم آموزش و پرورش (فرهنگ) جهرم، شاعر توانا جناب آقاي مرحوم احمد شريعتي بيدار كه به حقير نيز محبت و عنايت فراوان داشتند و اشعارشان را به بنده مي دادند به مناسبت هفتمين روز درگذشت مرجع والا مقام حضرت آيت الله العظمي بروجردي (طاب ثراه) شعر زيبائي به نام: «باغان از باغ دل بركنند و ناهنگام رفت»، سرودند و در مجالس ترحيم ايشان در جهرم خواندند كه مورد توجه همگان به خصوص اعل علم و اهل ادب قرار گرفت. به ويژه ابيات خاصي از آن اشك را از چشم شنوندگان مي گرفت.

باغبان از باغ دل بركنند و ناهنگام رفت

آه كاندر نوبهاران نزهت از ايام رفت

روح از عالم، نشاط از تن، ز دل آرام رفت

صر صر مرگی که اندر ماه فروردین وزید

شد خزان زندگی، شادی ز در تا بام رفت

فصل گل ای وای گل ریزان چرا؟ آخر مگر

باغبان از باغ دل پرکند و ناهنگام رفت

تار شد رخساره عالم کنون از دود آه

تیره روزی بین که روز اندر دهان شام رفت

باغ را آمد خزان و بلبل افسرده جان

از نوا افتاده نی، نی از سخن در کام رفت

گرچه عالم را فرا بگرفت این طوفان غم

ابتدا از قم نوای ناله تا بهرام رفت

از فراق پیشوا وز مرگ پرچمدار دین

ناله واحسرتا تا چرخ نیلی فام رفت

کاخ ایمان واژگون شد پایه تقوی شکست

وز بنای عزت ما اصل استحکام رفت

آیت الله بروجردی زعیم شیعیان

رفت و زین رفتن تو گویی صولت اسلام رفت

در نقاب خاک شد آن چهر نورانی دریغ

کز کف ما مسلمین آن گوهر خوش فام رفت

حکمت و علم و حقیقت، زهد و تقوی، فضل وجود

با وی اندر خاک شد کان حاکم احکام رفت

گل زیستان رفت و دیگر بوی گل کو در مشام؟

راست خواهی؟ از جهان نیروی استشمام رفت

دشمنان دین چو بت ها سرنگون در هر مقام

من چه گویم زین مصیبت؟ ما حی اصنام رفت

افتخار و شوکت اسلامیان افزود از او

تا که او رفت از جهان از مسلمین اعظام رفت

با وجود او سپاه کفر بودی منهزم

در نبود کفرو دین از دست ما صمصام رفت

سایه لطف همایونش خلاق را به سر

خاک بر سر شد که آن ذوالمجد و الاکرام رفت

حال خود یک هفته می باشد که آن سالار دین

سایه بگرفت از سر و با آن همه ابرام رفت

آنکه بر ما مسلمین بودی پدر یک هفته است

رفته و از غم بر فلک فریاد ما ایتمام رفت

آنچه بر ما رفت در این هفته ای آرام جان

از غم یوسف به یعقوب ضعیف اندام رفت

بخت بیدار مسلمانان دگر خوابید، آه

وای اگر این غم چها یکسر به خاص و عام رفت

طبع بیدار از پی تاریخ این محنت سرود

«آه از این دار فانی قائد اسلام رفت»

در هزار و سیصد و هشتاد از شوال شوم

سیزده بگذشت کان آگاه خوش فرجام رفت

«وَسَلَامٌ عَلَيْهِ يَوْمَ وُلِدَ وَيَوْمَ يَمُوتُ وَيَوْمَ يُبْعَثُ حَيًّا» (سوره مبارکه مریم، آیه شریفه ۱۵)

و السلام علیکم و رحمت الله و برکاته

شکرالله جهان مهین

مدیر بنیاد آیت الله حق شناس (ره) جهرم

آبان ماه ۱۳۹۷